

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



علامه طباطبایی
کانون علم و
فرهنگ ایران و
اسلام است



سال سی و هفتم ♦ شماره ۱۶ ♦ شماره مسلسل ۱۵۳۴ ♦ نیمه دوم آبان ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

استاد سید هادی خسروشاهی:

تصمیمات فدائیان برای دفع شر دشمن و به حکم حاکم شرع بود

پس از سخنرانی مستند محقق و پژوهشگر ارجمند آیت‌الله سید هادی خسروشاهی در آئین شصتمین سالروز شهادت سید مجتبی نواب صفوی و یارانش، یکی از دانشجویان تاریخ پژوه در مکاتبه‌ای با استاد، پرسش‌هایی را درباره برخی فرازهای مبارزات جمعیت فدائیان اسلام مطرح ساخت. آنچه پیش روی دارید پاسخ‌های مکتوب ایشان به پرسش‌های این پژوهشگر جوان است که به لحاظ اهمیت آن، تقدیم خوانندگان فرهیخته صفحه تاریخ می‌گردد. امید آنکه پژوهندگان تاریخ معاصر را مفید و مقبول آید.



آیا کسروی قبل از ادعای ضرورت برانگیختگی هم از اسلام و تشیع انتقاد می‌کرد؟ آیا دلیلی وجود دارد که نشان دهد مراد او از برانگیختگی همان پیامبری و آوردن آئینی جدید به جای اسلام است؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. احمد کسروی قبل از انحراف یا به اصطلاح او «برانگیختگی» مدافع سرسخت اسلام و قرآن بود و حتی در این باره می‌نویسد: «...سخنانی که درباره خدانشناسی می‌گویم کسانی آنها را دین نوینی پنداشته و به دشمنی با آن برخاسته‌اند... ولی این سخنان همه از اسلام است. خدا به من فیروزی داد که آیات قرآن را می‌دانم و اسلام را چنان که هست می‌شناسم و هر آنچه درباره خدانشناسی می‌گویم جز گفته‌های قرآن نیست...» (۱)

ولی کسروی به تدریج و به بهانه برانداختن «پندارها» و «خرافات» حمله به اسلام و تشیع را آغاز و سرانجام آئین جدیدی را مطرح کرد که «پاکدینی» نام گرفت. در واقع کسروی نخست با نیرنگ و خدعه از اسلام راستین! منهای خرافات دفاع می‌کرد و حتی خواستار وحدت ادیان و مذاهب در چارچوب «کلیت اسلام» شد و نوشت: «همه مذاهب، کیش‌ها و فرقه‌ها اختلافات را کنار بگذارند و متوجه اصول مشترک و کلی مذهب باشند و به کلیت اسلامی بودن به جای تفاوت‌های فرقه‌ای توجه کنند!» او بعد برای نفی فرق اسلامی می‌گوید: «این دین به مذاهب مختلف منشعب شده و اسلام اصلی به شکل مذاهب اصالت خود را از دست داده است. نخست باید دانست اسلام دو تاست، یکی آنکه بنیانگذارش آورده و در ۱۳۵۰ سال پیش بوده و یکی آنکه امروز میان مسلمانان روان است... باید این دو را از هم جدا در نظر گرفت»

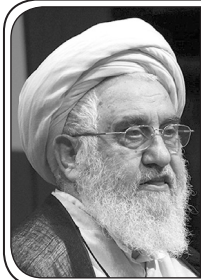
کسروی به بهانه ایجاد فرقه‌ها و نحله‌ها در اسلام بیان کرد که برای حفظ وحدت کشور! باید طرح جدیدی ریخت و آن را پایه و اساس قرار داد که همان «پاکدینی» است و در این راستا به صراحت مدعی شد: «مرا با خدا پیمانی است که از پانوشینم و این راه را به سر برم!» و بعد افزود: «این سخن که مسلمانان می‌گویند اسلام بازپسین دین است، بی‌مناسبت!» و سپس نوشت: «این خواست خداست که هر چند وقت یک بار جنبش خدایی رخ دهد و یک راه رستگاری به روی جهانیان باز شود و گمراهی‌ها از میان بروند، لکن مسلمانان آن را با اسلام پایان یافته می‌شمارند و بی‌خردانه دست خدا را بسته می‌دانند!»

کسروی پس از آنکه این برانگیختگی‌ها را «جنبش خدایی» می‌نامد، به‌طور صریح دوره اسلامگرایی را مانند بعضی از معاصران ما خاتمه یافته می‌داند و سرانجام مدعی می‌شود: «پاکدینی با آنکه پایه آن اسلام است، ولی این پاکدینی جانشین اسلام و طبق خواست خدا و لذا آئین اوست» و برای توجیه عرضه پاکدینی خود می‌نویسد: «در جهان چنان که باید دانشمندانی باشند که با کوشش‌های خود به آگاهی‌های مردمان بیفزایند و مخترعانی باشند که نرم‌افزارهایی برای زندگی بسازند، همچنان باید گاهی مردان خدایی برخیزند و جهانیان را از رازهای نهان زندگانی آگاه سازند و راه آسایش و خرسندی را به آنها نشان بدهند و آئینی برای زیستن در میان آنان پدید آورند.»

ادامه در صفحه ۴

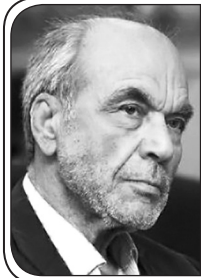
نماینده ولی فقیه در گیلان:

کتاب عامل فکر دهنده و تحرک در جامعه است



دکتر رضا داوری اردکانی

مناسک، خردمندی و ایمان؛ سه شأن حادثه کربلا



برگزاری آیین گرامیداشت هجدهمین سالگرد درگذشت علامه جعفری (ره)



حجت الاسلام والمسلمین
محمد مسجدجامعی

نگاهی به تحولات خاورمیانه



پیام حضرت آیت‌الله سبحانی به همایش ملی «اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای» در مکتب علامه طباطبایی

علامه طباطبایی (ره)، شخصیت جامع علوم عقلی و نقلی است و سرمایه کانونی این شخصیت، قرآن، سنت و حکمت است. قرآن کلام حق تعالی، سنت همانا تبیین وحی و حکمت، عطیة الهی و خیر کثیر است. عقلانیت و آزاداندیشی دینی، رهاورد این پیوند مبارک در نظام معرفتی و اندیشه‌های علامه بزرگوار است.



حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی، مرجع عالیقدر شیعیان جهان اسلام به مناسبت برگزاری همایش ملی «اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای» در مکتب علامه طباطبایی» پیامی صادر کرد.

در پیام آیت‌الله جعفر سبحانی، مرجع عالیقدر شیعیان جهان اسلام به این همایش آمده است: شکل‌گیری همایشی به نام اخلاق و با محوریت اندیشه‌های علامه طباطبایی (ره) جای شکرگزاری است، توجه به افکار بلند آن متفکر سترگ، در عصر فقر اخلاقی و معنوی، چراغ راه حقیقت‌جویان است. افکار والا و تابناک علامه (ره) قلمروهای جغرافیایی را پشت سر نهاده و در دل‌های آزاد اندیشان نفوذ کرده است و این ارمان و ارستگی ایشان از تعلقات دنیوی و تعمیق در اقیانوس معارف متعالی و حیاتی است.

شخصیت، سیره و آثار علامه (ره) مجموعه نفیسی است و تعمیق در ابعاد پیدا و پنهان آن، به محققان و اندیشه‌ورزان عرصه معرفت و حکمت، صمیمانه توصیه می‌شود.

پیام آیت الله جوادی آملی به همایش بزرگداشت علامه طباطبایی:

اخلاق مهم‌ترین عامل سعادت یک ملت است

حق شناسی می‌کنیم و از همه بزرگوارانی که در ایراد مقال یا ارائه مقالت بر وزن علمی این همایش افزودند، سپاسگزاریم!

آنچه در ایام سالگرد رحلت علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) مطرح است، این است که این بزرگوار خودش متخلق به اخلاق الهی بود و تفسیر نورانی المیزان گذشته از آن صیغه‌های علمی صیغه اخلاقی ویژه‌ای دارد که این بزرگوار در



همایش «نوآوری‌های فلسفی، کلامی علامه طباطبایی» به مناسبت سی و پنجمین سالگرد ارتحال این علامه فقید از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، با پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به این همایش در سالن همایش دفتر تبلیغات اسلامی مشهد برگزار شد. متن کامل پیام ایشان به این همایش به شرح زیر است:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ سَيِّمًا خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمَ الْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمَا أَلْفَ تَحِيَّهِ وَ الثَّنَاءِ بِهِمْ نَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ نَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ».

مقدم شما فرهیختگان و قرآن پژوهان و متأدبان علوم الهی را گرامی می‌داریم، از برگزارکنندگان این همایش وزین

احیای این روش و منش سهم به سزایی دارد. اخلاق مهم‌ترین عامل سعادت یک ملت است. قرآن کریم بهشت را معرفی کرد، اوضاع بهشت و بهشتیان معرفی کرد، مردانی که متمنانه با فرهنگ اسلامی بهشت گونه زندگی می‌کنند، آن را هم معرفی کرد، این دو بخش؛ یعنی بهشت و رمز و راز بهشت از یک سو؛ تمدن بهشتیان و فرهنگ بهشت‌مداران در دنیا از سویی دیگر، در قبال این دو امر، دو امر دیگر هم مطرح فرمود: یکی دوزخ و احکام دوزخ و روابط دوزخیان.

ادامه در صفحه ۵

متن پیش رو گزارشی از سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در دومین نشست از سلسله نشست های اخلاق تعلیم و تربیت است که در دانشگاه یزد برگزار شده است؛

دکتر رضا داوری اردکانی در ابتدای سخنانش اظهار داشت: تعلیم و تربیت و اخلاق به هم پیوسته اند، هر چند که اخلاقی بودن را نمی توان آموخت. آنچه در اخلاق آموختنی است اوصاف صفات و فضایل اخلاقی است. اخلاق با تذکر به وجود می آید. بسیار خوب است که فضایل اخلاقی در وجود آدمی ملکه شود و البته صاحبان این ملکه رفتار خوب و اخلاقی دارند اما اخلاق برایشان عادت شده است. اینها شاید در شرایط سخت که باید تصمیم اخلاقی بگیرند همیشه از عهده برنایند. به این جهت است که می بینیم صاحبان زهد و تقوا چون همه زشتی ها و ناروایی ها را با عادات اخلاقی خود می سنجند در برابر ناروایی های ناآشنا هیچ تکلیفی احساس نمی کنند و ساکت می مانند.

داوری اردکانی در این نشست که با حضور رئیس و جمعی از مسئولان و استادان دانشگاه یزد برگزار شد، با توجه به اینکه اشخاص از اخلاق و تعلیم و تربیت معانی متفاوت درمی یابند، این پرسش ها را مطرح کرد: آیا منظور این است که وظیفه تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است؟ آیا مدرسه باید علم و تهذیب را توأم کند و دانشگاه ها هم باید برای تهذیب اخلاق بکوشند؟ آیا اخلاق قابل آموزش است؟ علم و اخلاق چه ارتباطی با هم دارند و نسبت اخلاق با سیاست و هنر و دین چیست و چگونه است؟

رئیس فرهنگستان علوم ایران در رابطه با جایگاه اخلاق در تاریخ آموزش بشر گفت: بشر از ابتدا چه بی سواد و چه با سواد در حال آموختن بوده است. وی ضمن اشاره به ایام سوگواری محرم و صفرگفت: ایام محرم ارتباط خاصی با اخلاق دارد. محرم ماه شرف و آزادی است. ماه فرزند پیامبر، امام حسین(ع) است که برای جلوگیری از انحراف اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدش و حفظ مکارم اخلاقی هر چه داشت، داد و مظهر بزرگ دینداری و شرف و آزادی و ایمان شد. **مناسک، خردمندی و ایمان؛ سه شأن حادّه کربلا**

وی ادامه داد: حادثه بزرگ کربلا سه شأن دارد؛ یکی شأن مناسک و مراسم است که اهل شرع و حتی بعضی از دوستداران غیرمسلمان امام حسین، آنها را برپا می دارند. شأن دیگر خردمندانه بودن و اخلاقی بودن است و بالاخره به شأن سوم یعنی ایمان می رسیم که جان آن دو شأن دیگر، است. مراسم و مناسک برای حفظ دین و شریعت لازم است، به خصوص که تشیع را از عاشورا نمی توان جدا کرد. گویی امام این مظهر شرف انسانی با فرزندان و کسان و یارانش شهید شده است، تا تشیع زنده بماند.

دکتر داوری اردکانی گفت: عزاداری های ماه محرم و صفر و روضه خوانی ها همواره نگهبان تشیع بوده است. با اینکه عزاداران و برگزار کنندگان و گردانندگان مراسم عزاداری معمولاً معتقدان به اسلام و مایل به راستی و درستی اند، گاهی اتفاق می افتد که اشخاص نه چندان معتقد و صالح نیز به شرکت در مراسم و حتی در برگزاری آنها علاقه نشان می دهند که شاید خلق و خو یا رفتارشان با عظمت عاشورا چندان نسبتی ندارد.

وی ادامه داد: شأن دوم یعنی خردمندی و اخلاق بیشتر مورد توجه و نظر کسانی است که اسلام را یک دین به تمام معنی اخلاقی می دانند

و در رفتار و گفتار پیشوایشان اخلاق می بینند. به نظر آنها امام حسین(ع) جنگ نمی خواست و برای جنگ نیامده بود و هر چه توانست کوشید تا کار به قتال نکشد ولی سیر امور چنان بود که ناگزیر می بایست از میان دو راه یکی را برگزیند. یا به یزید و یزیدیان تسلیم شود یا شهادت را بپذیرد. او تسلیم در برابر نادانی و ستم و تباه کردن دین و دنیای مردم را نمی توانست بپذیرد پس راه شهادت را برگزید و از این راه به کمال عزت و شرف و آزادی و مرتبه ای ورای اخلاق رسمی رسید.

رئیس فرهنگستان علوم ایران ادامه داد: شأن سوم حادثه کربلا، ظهور ایمان به معنی کامل آن است. مؤمنان بسیاریند اما هر یک در درجه ای از ایمان قرار دارند. به این جهت است که در قرآن از مؤمنان خواسته شده است که ایمان بیاورند (یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا) مرتبه عالی ایمان به ندرت تحقق می یابد و درک و فهم آن با عقل و به خصوص عقل مشترک دشوار و شاید محال است.

وی افزود: ما لفظ «رضاً بقضاک و تسلیماً لامرک» را می شنویم و برایمان عادی شده است اما کمتر فکر می کنیم که تحقق آن تا چه اندازه دشوار است. با این رضا و تسلیم است که عقل و اخلاق بنیاد می شود و زندگی نظم قانونی پیدا می کند. مردم و حتی بعضی از ناصالحان که جانیشان یکسره آلوده نشده است، عظمت حادثه کربلا را درک می کنند و نادانسته در برابر آن سر فرود می آورند. کسانی هم شاید نیاز دارند که با پناه بردن به سایه عظمت حادثه عاشورا گفتارها و کردارهای زشت خود را ببوشانند. اینها اگر امام حسین را از جنس و سنخ خود ندانند شاید راهی به نجات پیدا کنند یعنی اگر رفتار و کردار خود را ضد عاشورایی ندانند به دین و آیین آسیب می رسانند. محرم ماه مراسم عزاداری است اما اگر به عزاداری های رسمی اکتفا شود شاید درس های عاشورا بی اثر شود.

چهار وجه شرعی و سیاسی و اخلاقی و ایمانی عاشورا

داوری اردکانی گفت: حادثه عاشورا چهار وجه شرعی و سیاسی و اخلاقی و ایمانی (مرحله عالی ایمان) دارد. وجه شرعی و سیاسی اش معلوم است. امام برای حفظ آیین جدش در مقام امر به معروف و نهی از منکر برآمد (شأن شرعی) و چون مخاطب امر به معروف و نهی از منکر حکومتی نادان و ستمکار بود ناگزیر می بایست برای برانداختن آن بکوشد (شأن سیاسی) اما با امر به معروف و نهی از منکرش و رفتاری که در طی سفر و بخصوص در کربلا داشت، در طی هزار و چند صد سال درس های بزرگ اخلاقی به مستعدان داد و بالاخره مرتبه ورای اخلاق که از سنخ احوال معنوی است و همه وجوه پیشین نیز در سایه آن قرار می گیرد.

اخلاق مثل هوا برای زندگی است

وی با طرح این سوال که چرا دانشگاه بحث اخلاق را مطرح کرده است در حالی که باید به کار آموزش بپردازد، گفت: وجهش این است که دانشگاه شاید مشکلی در کارها احساس کرده و به این نتیجه رسیده است که اگر اخلاق نباشد، در آموزش هم خلل پدید می آید. در شرایط عادی که علم می آموزیم یا پژوهش می کنیم، روش و سازمان و قانون حاکم است و به اخلاق احساس نیاز نمی شود. اخلاق مثل هوا برای زندگی است که اگر نباشد قدر وجودش معلوم می شود. اخلاق به عنوان مهر و معرفت و اعتماد و همبستگی و وفاداری شرط درست انجام شدن کارهاست.

رئیس فرهنگستان علوم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه تا انسان وجود دارد اخلاق خواهد بود و اخلاق نسبت ما با خداوند است به سخن داستایوفسکی که گفته است «اگر خدا نباشد هر کاری مباح است» اشاره کرد و افزود: هرگز در هیچ جامعه ای هر کاری مباح نبوده است،

مناسک، خردمندی و ایمان؛ سه شأن حادّه کربلا

جدید اخلاق را به علم و سیاست واگذار کرده است، یعنی اموری که در گذشته و در جامعه های قدیم به عهده دین و اخلاق بود اکنون به سیاست محول شده است.

وی با اشاره به تعبیر ماکیاولی که می گوید سیاست از اخلاق جداست، گفت: آیا سیاست و علم بی اخلاق و ضد اخلاق اند؟ پاسخ نمی تواند مثبت باشد و مگر روکردن به علم، امر اخلاقی نیست؟ علم مایه شرف و فضیلت است. الا اینکه با غلبه ساحت علم تکنولوژیک ساحت های دیگر وجود انسان از اثر بیفتد.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: در جامعه جدید، علم محور زندگی است و جهان حول محور علم می چرخد، اخلاق جهان هم اگر تابع علم نباشد با علم و تکنولوژی میزان می شود.

تاریخ جدید بر تمتع بشر در زندگی استوار است وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: اصل تاریخ جدید بر تمتع بشر در زندگی استوار است و این به یک اعتبار حسن است اما اگر مطلق شود کار به حرص بی پایان و قهر و غلبه و ستم می انجامد. وی در ادامه سخنان خود به تاریخ علم و فرهنگ در جوامع اسلامی اشاره کرد و گفت: علم قدیم صرفاً علم بهره مندی نبوده بلکه مایه شرف بوده و راهی به سوی سعادت می گشوده است. قرون دوم تا ششم دوران اوج علم اسلامی بوده است اما از قرن هفتم به بعد سیر نزولی نه فقط در علم بلکه در فرهنگ و اخلاق نیز مشاهده می شود.

وی با بیان اینکه هیچ جامعه ای بی اخلاق نمی تواند دوام داشته باشد، گفت: اگر در جایی علم صرفاً علم مصرفی باشد و مردم غایتی جز مصرف نداشته باشند آن جامعه شأن اخلاقی نمی تواند داشته باشد.

او در ادامه با طرح این سؤال که چه می شود که یک جامعه فاسد یا صالح می شود و اینکه آدم چه موجودی است و چه تفاوتی با حیوانات دارد، گفت: انسان تاریخ، یعنی گذشته و آینده دارد اما حیوانات تاریخ ندارند و همواره بر یک نهج زیسته اند و همچنان زیست می کنند. آدمیان عبرت و امید دارند. سه ساحت وجودی انسان که ساحت تمتع، عقل و ایمان است انسان را از حیوانات متمایز می کند.

دکتر داوری گفت: در فرهنگ دینی ما سه ساحت شریعت، طریقت و حقیقت به جای ساحت های شهوت و غضب و عقل که فیلسوفان به آن مایل بودند مطرح بوده است. انسان اهل تمتع، اخلاق و ایمان است و اگر اثر ایمان باشد، تعادل میان دو ساحت دیگر پدید می آید.

تعادل بین دو ساحت تمتع و روحانیت

استاد فلسفه دانشگاه تهران ادامه داد: فساد و صلاح آدمی به بی تعادلی و غلبه یکی از دو ساحت تمتع و روحانیت بر وجود انسان در هنگام ضعف ایمان بازمی گردد. وقتی بین این دو ساحت تعادل برقرار باشد مردم در هوای اخلاق به سر می برند. اما اگر این تعادل برقرار نشود، با وعظ و نصیحت و درس نمی توان مردم را اخلاقی کرد زیرا گوش شنیدن وعظ وجود ندارد.

دکتر داوری اردکانی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه در جهان کنونی اخلاق رو به ادبار دارد و نشانه های فساد در همه جا پیداست به وضع کشور خودمان اشاره کرد و گفت: ما در حال حاضر وضع اخلاقی خوبی نداریم، آسان دروغ می گوئیم، بی پروا تهمت می زنیم، فحاشی برای ما امری عادی شده است و مهم اینکه از زیبایی ها به آسانی چشم می پوشیم و زشت ها را زشت نمی بینیم. توقع نیست که جامعه یکسره صلاح باشد و مفسد همه از میان بروند بلکه باید بیندیشیم که مبدا زشتی و زیبایی و شر و خیر با هم اشتباه شود و اشرار و اراذل کارهای زشت خود را خوب و زیبا و صاحبان فضیلت را منحرف و گمراه بخوانند.

ادامه در صفحه بعد

آدمی موجودی است که قانون دارد و خوب و بد را تشخیص می دهد. هیچ زمانی و هیچ جامعه ای نبوده است که در آن خوب و بد شناخته نشده باشد منتهی خوب ها و بدها همیشه به یک صورت نبوده و یکسان تحقق نمی یافته و مخصوصاً اخلاق دگرگون می شده و چه بسا گاهی در جایی دستخوش انحطاط شده و این انحطاط به زوال اقوام مؤدی شده است.

اکنون اخلاق در همه جا تنزل یافته است

وی ادامه داد: اکنون در عصر ما اخلاق در همه جا تنزل یافته و در کشور ما نیز که برای اخلاق انقلاب کرده است، این تنزل کاملاً آشکار است و اگر این سیر ادامه یابد شاید جهان دچار فاجعه ای بزرگ شود. از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون هرگز پریشانی و حماقت و بی اعتنایی به موازین اخلاقی تا این اندازه شایع نبوده است. نه فقط در دهه های اخیر سراسر جهان را آشوب فراگرفته است بلکه روشنفکران هم به نظریه هایی مایل و متوجه شده اند که قبل از جنگ جهانی دوم زمینه ساز ماجراهای پر درد و داغ نیمه اول قرن بیستم بود. وی افزود: راستی چرا در اندیشه سیاسی دهه های اخیر این همه به کارل اشمیت اعتنا می شود؟ در سیاست هیچ نظریه ای اهمیت مطلق ندارد بلکه در بهترین صورت سازنده و ویران کننده است. کارل اشمیت فیلسوف بحران بود. آیا توجه به او نشانه بحرانی نظیر بحران سال های دهه های بیست و سی قرن بیستم میلادی است؟ اگر این تناظر را بپذیریم، این را نه تکرار بحران بلکه صورت عمیق تر بحران تاریخ غربی باید بدانیم.

غرب صرفاً می سازد و مصرف می کند

داوری اردکانی گفت: اخلاق با امید پدید می آید و در فرهنگ و روابط و مناسبات میان مردمان قوام و تحقق می یابد. تاریخ غربی به جایی رسیده است که دیگر امیدی ندارد بلکه می سازد و مصرف می کند. به عبارت دیگر در این تاریخ زندگی دیگر معنایی جز دوره کردن شب و روز و مصرف کردن و اشتغال برای مصرف ندارد. پیداست که در اینجا مراد از غرب، غرب جغرافیایی و سیاسی نیست بلکه شیوه زندگی شایع در سراسر روی زمین است. همه جهان با چشم غربی به جهان نگاه می کنند و ارزش ها هم یکسره ارزش های بی ارزش شده غربی است.

آیا جهان به سوی فاجعه و نابودی می رود؟

وی افزود: در چنین شرایطی آیا جهان به سوی فاجعه و نابودی می رود؟ این که مسیر انحطاط سرعت گرفته است باید همه را به فکر وادارد که بپرسند جهان دارد به کجا می رود و چه بر سر آدمی خواهد آمد؟ آیا دین می تواند به اخلاق مدد برساند و از بروز فاجعه جلوگیری کند؟ درد این است که دین نیز در معرض آسیب قرار گرفته و گروه هایی گرد آمده از سراسر جهان در شرق و غرب، پرچم دین به دست گرفته و به نام دین هر منکری را مرتکب می شوند و جهان را پر آشوب می کنند و بر اصل اباحه و مباح بودن هر تبهکاری و فسادی صحه می گذارند و نه فقط دین را با رفتار خود از صحنه خارج می کنند بلکه آن را بدنام و تباه می سازند.

وی ادامه داد: با وجود این مایوس نباشیم و بدانیم که هر چه بر سر جامعه بشری بیاید به کلی تباه نمی شود زیرا نسبتی که انسان با حق دارد گرچه ممکن است به مو برسد، گسیخته نمی شود و این نسبت تا آدمیت وجود دارد، هست. مگر اینکه آدمیت به کلی از بین برود.

جامعه جدید اخلاق را به علم و سیاست واگذار کرده است

داوری اردکانی تصریح کرد: هیچ جامعه فاضله محض وجود ندارد، گناه همیشه هست، ما با اختیار آفریده شده ایم و بشری که اختیار دارد همواره ممکن است به هر سویی منحرف شود. جامعه

گفتگوها و مناظرات علوی



انتشارات آستان قدس رضوی برای نخستین بار کتاب «گفت و گوها و مناظرات علوی» را در راستای روش شناختی و تحلیل نمونه‌ها به منظور کشف و استخراج شیوه‌های کاربردی حضرت

علی(ع) در مناظرات، تولید و منتشر کرد.

اسلام در میان مکاتب الهی، ارزش و جایگاه ویژه‌ای برای گفت‌وگو و مناظرات قائل شده و نه تنها به ترویج و همگان سازی آن تا حد امکان ترغیب کرده بلکه روش‌ها و شیوه‌های کاربردی آن را نیز از طریق معصومین(علیهم السلام) به ما آموخته است. با توجه به موقعیت ویژه بین المللی جمهوری اسلامی ایران و نیز تشابه شرایط کنونی با زمان استقرار حکومت علوی کتاب «گفت و گوها و مناظرات علوی» را به منظور کشف، استخراج و تحلیل شیوه‌های کاربردی ایشان مورد تحلیل برای نخستین بار تولید و چاپ شده است. این کتاب توسط محمود واعظی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و با مقدمه ای از حضرت آیت الله تسخیری در ۴ بخش دین و گفت‌وگوهای مکتبی، گفت‌وگو و مناظره، فضاشناسی اندیشه‌ها و جریان‌های دینی - فرهنگی در عصر امام علی(ع) تدوین شده است و در قطع وزیری با قیمت ۳۰ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار دارد.

مسائلی مانند گفت‌وگو در اسلام، انواع مناظرات، جایگاه گفت‌وگو از نگاه امام علی(ع)، اخلاقیات امام علی(ع) در گفت‌وگوها و مناظرات، فنون و شگردهای امام علی(ع) در گفت‌وگوها و مناظرات، ویژگی‌های پاسخ‌های علوی در گفت و گوها و مناظرات، جلوه‌های سیره نبوی در گفت و گوه‌ای علوی و... بخشی از مباحث اصلی مطرح شده در این اثر محسوب می‌شوند و می‌تواند منبعی مطالعاتی ارزشمندی برای استفاده محققان و پژوهشگران فرهنگ اسلامی باشد. این کتاب در چهار بخش دین و گفت‌وگوهای مکتبی، گفت‌وگو و مناظره، فضاشناسی اندیشه‌ها و جریان‌های دینی- فرهنگی در عصر امام علی(ع) و روش شناسی گفت‌وگو و مناظرات علوی منتشر شده است. برای تالیف این کتاب از ۲۲۶ منبع فارسی، عربی و انگلیسی استفاده شده است.

می کنند. با قبول دیگری، وفا و امید، و بالاخره اخلاق به وجود می آید.

اخلاق نمی تواند صرفاً آموزشی و آموختنی باشد

وی گفت: تعلیم و تربیت با اخلاق مرتبط است و در آن نمی توان به اخلاق توجه نکرد. اما اخلاق نمی تواند صرفاً آموزشی و آموختنی باشد. معمایی ترین شأن وجودی ما شأن اخلاقیمان است. ما هرگز به درستی ندانسته ایم که اخلاق چیست و چگونه بدانیم که قلمرو آن فاصله میان آسمان و زمین است و آدمی در این فاصله از «احسن تقویم» تا «اسفل ساقلین» سیر می کند. ما وظیفه داریم که مواظب رفتار خود باشیم و مسئولیت رفتار و گفتار خود را به عهده گیریم. ما نیاز به درس اخلاق داریم اما این درس، درس تذکر است. پس از وضع کنونی اخلاق غافل نباشیم. اولین درس باید ما را به نقص هایمان متوجه کند. اگر همه خود را اهل صلاح می دانیم، به اخلاق چه نیاز داریم؟ بی نیازی اگر به طور کلی پسندیده باشد، بی نیازی به اخلاق ناپسندیده و زشت است. مردم ما هم برای معرفت و اخلاق انقلاب کردند و باید بیندیشند که چرا از این مقصد و مقصود همچنان دورند و دور مانده اند.

برگزاری آیین گرامیداشت هجدهمین سالگرد در گذشت علامه جعفری(ره)

محمدتقی جعفری نیز اظهار کرد: برای شناخت افکار و اندیشه‌های علامه جعفری باید کارگروه‌هایی تشکیل و نظام‌مندی‌هایی ایجاد شود و اندیشه‌های این عالم بزرگ به سمت دانشگاه‌ها سوق پیدا کند و به دانشجویان و نسل جوان معرفی و منتقل شود.

وی با تأکید بر شناخت ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه وی اظهار کرد: جامعه امروز ما نیازمند افکار افرادی همچون علامه جعفری است و ما در این حوزه قصور می‌کنیم و نهادهایی که در این حوزه تلاش می‌کنند، باید یاری داده شوند.

بابایی‌فر، علامه جعفری را انسانی با اخلاق، متدین و ربانی توصیف کرد و افزود: جوهره شخصیت و تمام تلاش علامه جعفری تربیت انسان بود، وی در آثار و سخنانش فقط اصل و خودش بود و از تعلقات تهی و از خدا پر بود.

وی گفت: علامه جعفری روشفکرانه کار می‌کرد و در عین حال مومنی راسخ بود و آموختن را با جوهره معنویت و عشق توأم می‌کرد.

این شاگرد استاد علامه جعفری افزود: علامه جعفری به عنوان استادی نوگرا، با هویت و با اصالت بود که چنین ویژگی‌هایی نیاز جامعه ماست که باید به آن پرداخته شود و از این شخصیت وارسته در بدنه جامعه در حوزه‌های فعالیت آموزش دانش به نسل جوان، دانشجویان و طلبه‌ها بهره ببریم.

«منوچهر صدوقی» مدرس حکمت و عرفان اسلامی و داماد علامه جعفری نیز در این آیین با بیان اینکه ثبوت و اثبات اشخاص با یکدیگر متفاوت است، گفت: اکنون اختلاف نظرهایی در مورد ثبوت و اثبات علامه جعفری مطرح شده، در مقام ثبوت، شخصیت ایشان مشخص است اما در مقام اثبات برخی می‌گویند که علامه جعفری فیلسوف بودند یا خیر و برخی نیز می‌گویند که ایشان مطلب فلسفی ننوشتند. وی این سخنان را با اندیشه‌های فلسفی مورد نقد و بررسی قرار داد.

در بخشی دیگر از این مراسم «بیژن پورمند» مدیر فرهنگی هنری منطقه ۵ و رئیس فرهنگ‌سرای فردوس در این آیین با بیان اهمیت برگزاری بزرگداشت علامه محمدتقی جعفری گفت: قرار است این برنامه سال‌های آینده با همکاری موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری به صورت پیوسته و غنی‌تر با هدف بومی‌سازی اندیشه‌های علامه جعفری برگزار شود تا آنچه را داریم، قدر بدانیم.

خود عمل کند این مقصود هم حاصل شود. وظیفه اصلی دانشگاه آموزش و پژوهش مناسب و مورد احتیاج کشور است.

۹۰ درصد پژوهش‌های ما صوری و تکراری است

وی اظهار کرد: ما متأسفانه کمتر فکر می‌کنیم و برای عمل کردن، خود را محتاج فکر کردن نمی‌بینیم. دانشگاه باید بیشتر به تفکر مجال بدهد تا بتوان پژوهش‌های مناسب‌تر انجام داد. در حال حاضر ۹۰ درصد پژوهش‌های ما صوری و تکراری است و نمی‌دانیم در کجا به چه کار می‌آید؟ داوری اردکانی تصریح کرد: اخلاق به یک اعتبار امر فردی است اما کار اخلاقی در فضای جامعه صورت می‌گیرد. وقتی مردم در هوای فساد نفس می‌کشند، اخلاقی بودن دشوار می‌شود و آنها که مستعد فسادند زودتر فاسد می‌شوند و مجال را از دست اهل صلاح می‌گیرند. کاش می‌توانستیم به وضع اخلاق خود و به گفتار و رفتار خود بیندیشیم. درس اول اخلاق، مراقبت است. همه ما باید غمخوار خویش باشیم و همواره از خود بیرسیم در نسبت با دیگران چه می‌توانیم بکنیم و چه کرده ایم؟ شرط اخلاقی بودن تواضع و شناختن حد خود است. با شناختن حد خود دیگری و دیگران هم جایگاه پیدا

قرار گرفت و وی برابر این نقدها پاسخ‌گوست.

وی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی و علمی مرحوم علامه جعفری و جایگاه برجسته ایشان در حوزه فلسفه اظهار کرد: در دورانی که در چارچوب محدود، مسایل فلسفی صدرایی، سهروردی، سینیوی و مطالب متافیزیکی مطرح و فلسفه اسلامی محدودیت تلقی شده و در فلسفه غرب، ساحت‌های مختلف اندیشه بیان می‌شد، سنت‌شکنی‌ها و سدشکنی‌های علامه جعفری در حوزه فلسفه بسیار حائز اهمیت است.

نصری با بیان اینکه نوع نگاه علامه جعفری در تفسیر آیات قرآن ابداعی است، افزود: نوع نگاه ایشان در تفسیر قرآن، نهج البلاغه و مثنوی معنوی با توجه به دانش وسیع و گسترده با دیگر شارحان متفاوت است که باید این ویژگی‌ها مورد بررسی قرار بگیرد.

این استاد فلسفه با اشاره به اینکه علامه جعفری در آثار خود به فلسفه هنر، موسیقی، تاریخ، فرهنگ و تمدن پرداخته است، گفت: بسیاری از بزرگان وارد این مقولات نمی‌شوند و تحلیل‌های علامه جعفری از شاعرانی همچون خیام و نظامی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

نصری با انتقاد از سخنان مطرح شده مبنی بر اینکه علامه جعفری فیلسوف نیست، اظهار کرد: برخی افراد و حتی شاگردان علامه جعفری متأسفانه هیچ مطالعه‌ای درباره آثار و اندیشه‌های وی ندارند و مطالبی را در مورد اندیشه ایشان بیان می‌کنند که صحیح نیست.

این شاگرد علامه جعفری گفت: ما باید بدانیم که در دانشگاه‌ها چه تعداد رساله در مورد علامه جعفری، طباطبایی و مطهری نگاشته می‌شود و آیا کسی که تحت تأثیر اندیشه‌های علامه جعفری بوده، خود کتابی نوشته است.

در بخشی دیگر از این مراسم «علیرضا جعفری» فرزند علامه جعفری با بیان اینکه امروزه هر فردی در مورد تفسیر مثنوی معنوی علامه جعفری اظهارنظر می‌کند، گفت: در سال ۵۱ که علامه جعفری تفسیر مثنوی معنوی را می‌نگاشت، نظرات متفاوتی مطرح بود و برخی بر علیه علامه نظر می‌دادند، در آن زمان علامه جعفری، مولوی را به خواب می‌بینند و از او سوال می‌کنند که آیا از این تفسیر راضی هستید یا خیر و مولوی در پاسخ به علامه جعفری می‌گوید که از کسی این سوال را بپرس که برای او کار را انجام می‌دهی.

«فرهاد بابایی‌فر» از شاگردان مرحوم علامه

انسانی و به ادب و هنر چندان اهمیت نمی‌دهیم زیرا غایت را تکنیک می‌دانیم. همه جهان غایت بشر را دسترسی به تکنولوژی و استفاده از آن می‌دانند. با تکنیک نمی‌توان مخالفت کرد اما تکنیک غایت آدمی نیست و مخصوصاً در کشوری که مهندس تربیت می‌کند و به خارج می‌فرستد و تکنولوژی‌های متوسط را از خارج خریداری می‌کند، چگونه تکنیک می‌تواند غایت زندگی باشد؟ وی با اشاره به اینکه در دانشگاه‌های ما سه برابر متوسط جهان، مهندس تربیت می‌شوند و بعضی از بااستعدادترین آنها که سرمایه‌های بزرگ کشورند به خارج می‌روند و در آنجا می‌مانند، گفت: درست است که ما با این کار به علم جهان کمک می‌کنیم اما کاش می‌توانستیم اندازه را رعایت کنیم و به اندازه احتیاج کشور خود دانشمند و پزشک و مهندس تربیت کنیم و از آنها در جای شایسته شان بهره ببریم.

وی افزود: وظیفه دانشگاه وعظ و موعظه نیست اما اگر دانشگاه بتواند به جامعه و مردم تذکر بدهد که شرایط کشور چیست و چه‌ها می‌توان کرد و باید کرد و علم را برای چه باید فراگرفت و ... کار بزرگی کرده است. شاید اگر دانشگاه در مقام مناسب خود قرار گیرد و بتواند به وظیفه اصلی

خبرگزاری آریا-آیین گرامیداشت هجدهمین سالگرد در گذشت علامه محمدتقی جعفری(ره) سه‌شنبه ۲۶ آبان‌ماه با همکاری کتابخانه علامه محمدتقی جعفری(ره) و موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری در ویژه برنامه‌ای با عنوان «تکاپوگر اندیشه‌ها» با حضور علیرضا جعفری (فرزند این علامه فقید)، فرهاد بابایی‌فر، منوچهر صدوقی، عبدالله نصری، افشین علا و جمعی از شاگردان ایشان در فرهنگ‌سرای فردوس برگزار شد.

دکتر «عبدالله نصری» استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی - در این برنامه که عنوان آن برگرفته از اثر ایشان «تکاپوگر اندیشه‌ها» می‌باشد- معرفت‌شناسی را زمینه و اساس تفکر مرحوم علامه «محمدتقی جعفری» دانست و گفت: وی در برخورد با اندیشه‌ها و تفکرات اندیشمندان جانب انصاف را رعایت کرد و آنها را در آثار خود مورد بررسی قرار می‌داد.

وی افزود: مواجهه علامه جعفری با اندیشه‌های گوناگون باعث شد که وی ابداعات فراوانی در حوزه فکر و اندیشه داشته باشد و مباحث معرفت‌شناسی را در آثار خود مورد بررسی قرار دهد.

نصری اظهار کرد: علامه جعفری در برخورد با اندیشه‌ها و تفکرات دیگران جانب انصاف را رعایت می‌کرد و بر این اساس وی توانست از اندیشه‌های متفکران دیگر بدون اینکه دچار التقاط شود، بهره‌برداري صحیح کرد و در مورد اندیشه‌های آنان به خوبی قضاوت کند

این استاد فلسفه با اشاره به استقلال فکری علامه جعفری گفت: وی تابع دیگر متفکران نبود که اگر چنین بود، دایره فکری او محدود می‌شد. وی افزود: برخی به دلیل آشنا نبودن با فلسفه و آثار علامه جعفری گمان می‌کردند که علامه جعفری قدیمی بالاتر از حکمت صدرایی و سبزواری بر نخواهد داشت اما مرحوم علامه جعفری معتقد بود که با توجه به شرایط جامعه هر روز باید سوالات جدید داشت و به آنان پاسخ دهیم.

نصری از مرحوم علامه جعفری به عنوان الگوی اسلامی یاد کرد و گفت: متأسفانه در جامعه با حجاب معاصر مواجهیم و در مقایسه با کشورهای غربی به شخصیت معاصر خودمان توجه چندانی نداریم، در صورتی که کشورهای غربی به شخصیت‌های علمی و فرهنگی خود در زمان حیاتشان توجه زیادی داشت و برای یک شخصیت هزار کتاب و مقاله نگاشته می‌شود، همچنین آثار این شخصیت در زمان حیاتش مورد نقد و بررسی

ادامه از صفحه قبل

علوم انسانی چنانکه باید در اداره و سیاست کشور دخیل نشده است

رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در پایان سخنانش گفت: ببینیم دانشگاه که جای علم و پژوهش است در این وضع چه وظیفه‌ای دارد و چه می‌تواند بکند؟ دانشگاه مدرسه قدیم نیست. بلکه جایی است که در آن همه علوم متحد و همگام و یک جهت می‌شوند. به عبارت دیگر دانشگاه مظهر جامعه ای است که علم کانون آنست و چرخ آن با علم می‌گردد. همه شئون جامعه در دانشگاه ظهور دارد و همه علم‌های دانشگاه برای زندگی است. جامعه جدید با علم و پژوهش به خود سامان می‌دهد و نواقص را تا حدودی رفع می‌کند. دانشگاه پیشرو جامعه است و جدا از جامعه نیست. متأسفانه در کشور ما علوم انسانی چنانکه باید در اداره و سیاست کشور دخیل نشده است. اگر علوم پایه و مهندسی در کار سازندگی شرکت دارند، پزشکی و علوم انسانی در سازماندهی و هماهنگی و آسیب زدایی و درمان مؤثرند.

تکنیک غایت آدمی نیست

داوری گفت: متأسفانه در حال حاضر ما به علوم

ادامه از صفحه اول

در این باره او کتاب «ورجواند بنیاد» - بنیاد خدایی مقدس - خود را در سه جلد منتشر کرد که در بالای صفحه اول آن شعار «خدا با ماست» را با خط درشتی می آورد و در ذیل صفحه بعد می نویسد: «این کتاب بنیاد پاکدینی است» و سپس فصولی در هر مجلد با شماره آیاتی می آورد که گویا احکام پاکدینی است و در پاورقی ها هم زندها یا «تفسیر» آن احکام را می آورد. ما چون قصد بسط این مسئله را در این بحث نداریم، همین مقدار بسنده می کنیم و می پرسیم آیا این ادعاها و این اعلام برانگیختگی و بستن پیمان با خدا و آوردن پاکدینی به عنوان جانشین اسلام ادعاهای پیغمبری و آوردن يك دین جدید نیست؟

در مورد مسئله ارتداد و چگونگی و احکام مربوط به آن توضیحاتی را بفرمایید.

هدف از سخنرانی کوتاه بنده، بررسی مسئله ارتداد و حکم آن نبود و این مسئله در کتب فقهی جدید و قدیم، تجزیه و تحلیل شده و حقایق مربوط به آن و کیفیت ارتداد و قبول یا عدم قبول «توبه» به طور کامل تبیین شده است و نیازی به ورود ما در آن موضوع نیست، اما نقل يك حدیث از امام صادق (ع) می تواند بیانگر نوع کيفر کسانی باشد که نبوت پیامبر را انکار و تکذیب می کنند. در این حدیث به هر کسی که توان اقدام داشته باشد، اجازه داده شده است این حکم را اجرا کند و شاید همین حدیث مبنای حکم امام درباره «اقدام هر کس که توان دارد» در مورد سلمان رشدی باشد.

امام صادق (ع) می فرمایند: «كُلُّ مُسْلِمٍ بَيْنَ مُسْلِمَيْنِ اِنَّدَ عَنِ الْاِسْلَامِ وَ جَدَّ رَسُوْلُ اللّٰهِ (ص) بُيُوْتُهُ وَ كَذَبَهُ فَاِنَّ دَمَهُ مُبَاحٌ لِّمَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مِنْهُ»، (۲) آیا کسروی و سلمان رشدی در این دایره از انحراف و گمراهی قرار ندارند؟!

آیا این نوع اقدامات مقبول همه مراجع، از جمله امام خمینی هم بوده است و هیچ کدام موضع منفی نسبت به آن نداشته اند؟

برای روشن شدن دیدگاه های بعضی از علما و مراجع معاصر در این باره و نظریات فقهی، منفی یا مثبت آنان درباره «ترور» مراجعه شود به کتاب «خشونت قانونی» تألیف کاظم مقدم، جلد اول، فصل دهم، صفحات ۴۰۷ تا ۴۹۰، ناشر مؤسسه چاپ و نشر عروج، سال ۱۳۹۰ (این کتاب تحقیقی به عنوان گزیده تاریخ معاصر ایران، از سلطنت محمدرضا پهلوی تا ترور منصور و پیروزی انقلاب اسلامی در دو مجلد جمعاً ۱۵۰۰ صفحه چاپ و منتشر شده است.)

در این کتاب با استناد به اقوال شاهدان و خاطرات شخصیت های مختلف، موضع منفی امام خمینی (ره) درباره اقدام به ترور، به ویژه در جریان درخواست فتوا یا حکم برای ترور حسنعلی منصور تبیین شده و اصولاً امام خمینی هیچ وقت اجازه کتبی یا شفاهی برای اقدام به این نوع عملیات نداده و همواره مراجعان را از آن نهی کرده که مشروح آن در کتاب های مربوط به ایشان آمده است.

در سخنرانی خود در مراسم بزرگداشت نواب صفوی در مورد ترورهای زمان پیامبر اسلام (ص) به چند نمونه اشاره کرده اید که ما در این مقوله اطلاعاتی نداریم. آیا می توانید دلایل، چگونگی و منابع خبری آن را توضیح دهید؟

البته در این زمینه، اگر به کتب معتبر تاریخی و کتاب هایی که درباره سیره پیامبر اکرم (ص) نوشته شده است مراجعه کنید، مطلب کاملاً روشن می شود. من در سخنرانی خود به بعضی از آن منابع و کتاب های تاریخی اشاره کرده ام و این البته يك روش متداول و مستمر همراه با مخفی کاری نبوده است، بلکه در دفاع از نظام نوپای اسلام که مورد

استاد سید هادی خسروشاهی:

تصمیمات فدائیان برای دفع شر دشمن و به حکم حاکم شرع بود

هست. گزارش مأمور هم هست که می گوید؛ دکتر فاطمی سالم است! دکترها که می آیند، خود را به بیماری می زند! افسانه های ساخته اند که روده های دکتر فاطمی را جمع کردند و در ملحفه ریختند! این را به هر پزشکی بگویند می خندد.» (۴)

... و اینجانب شخصا کیف چرم چهار لایه دیپلماتیک آقای دکتر فاطمی را - که در مرکز اسناد وزارت امور خارجه نگهداری می شود- دیده ام که گلوله نتوانسته است از چهار لایه چرم عبور کند و لذا در همان لایه چهارم گیر کرده و داخل کیف افتاده و مانده است!

عجیب تر آنکه در عکس هایی که موجود است و چاپ هم شده است، وقتی آقای دکتر شایگان و آقای حسین مکی به عنوان نخستین عیادت کنندگان از دکتر فاطمی به بیمارستان می روند، آقای دکتر فاطمی روی تخت دراز کشیده است و صحبت می کند و ورقه های را مطالعه می کند، ولی از لوله اکسیژن خبری نیست و حتی يك سرم هم به او وصل نشده است و معلوم نیست که ایشان چگونه گلوله خورده که از يك طرف روده هایش به بیرون ریخته اند! و از سوی دیگر مجروحی است که حتی به اکسیژن و سرم هم نیاز ندارد! ای کاش کسی پیدا شود و اسناد بیمارستانی و وزارتی مربوط به دکتر فاطمی را منتشر سازد تا حقایق آنطور که هست روشن شود، ان شاء الله.

پی نوشت:

- ۱- ماهنامه پیمان، سال یکم، شماره ۱۳، ص ۱۰ و ۱۳.
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۴۵.
- ۳- «حرف دل»؛ مجموعه بیانات آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۷ (به نقل از: اسلام و مسأله ترور، مرتضی شیرودی، ماهنامه «رواق اندیشه»، شماره ۱۸، ۱۳۸۲).
- ۴- روزنامه «شرق»، مصاحبه با محمدمهدی عبدخدایی.

منبع: کتاب «مبانی فقهی - فکری مبارزات فدائیان اسلام»؛ متن کامل سخنرانی در شصتمین سال شهادت نواب صفوی

کلبه شروق، کتاب «مبانی فقهی - فکری مبارزات فدائیان اسلام» را منتشر کرد



کتاب مبانی فقهی - فکری مبارزات فدائیان اسلام که متن کامل سخنرانی استاد سید هادی خسروشاهی در شصتمین سال شهادت نواب صفوی می باشد توسط انتشارات کلبه شروق

و در شهریور سال ۱۳۹۵ منتشر شد.

بعضی عناوین کتاب عبارتند از:

ترور یا دفاع مشروع، ماجرای کسرویگری، ابتکار طرح ملی شدن نفت، اقدام آیت الله بروجردی درباره دکتر فاطمی، اقدام مسلحانه انقلابی یا ترور؟، آیا کسروی ادعای پیامبری داشت؟، نگاهی به مسئله ارتداد، نظر مراجع درباره این نوع اقدامات، ترورهای زمان پیامبر، شهید نواب ۲۰ ماه در زندان دکتر مصدق، آیا شهید نواب پشیمان شد؟

برای تهیه این کتاب و سایر کتب ایشان می توانید در تهران به فروشگاه موسسه اطلاعات واقع در خیابان انقلاب و در قم به مرکز پخش آن واقع در ابتدای خیابان صفاییه، فروشگاه کتاب کلبه شروق مراجعه نموده با شماره تلفن ۰۲۵ - ۳۷۸۳۸۱۴۴ تماس بگیرید.

شهید نواب صفوی برای مبارزه با رژیم کودتایی در جلسه نهضت مقاومت ملی در منزل آیت الله زنجان، برای همکاری اظهار آمادگی کرد و این به مفهوم پشیمانی از مخالفت با حکومت دیکتاتوری و به ظاهر قانونی آقای مصدق نبود. البته این مطلب در روزنامه شرق از قول برادر ارجمند، آقای محمدمهدی جعفری نقل شده است و اتفاقاً اخیراً در اسفند ماه سال ۱۳۹۴ در جلسه یادبود درگذشت مرحوم سید محمدمصدق طباطبایی در سالن مرکز فرهنگی شهر کتاب تهران، در دیدار کوتاهی با ایشان این موضوع را پرسیدم که پاسخ دادند: مطلب ذکر شده صحیح نیست و کلمه پشیمانی را در مصاحبه به کار نبرده ام و اگر در روزنامه چنین آمده، بی تردید، به طور اشتباهی از سوی خبرنگار نقل شده است.

اما در مورد به اصطلاح «ندامت» آقای محمدمهدی عبدخدایی از شلیک به دکتر فاطمی و اینکه می گوید؛ ای کاش به این کار اقدام نمی کرد! این ادعا نیز صحت ندارد، بلکه آنچه آقای عبدخدایی چندی پیش در مصاحبه ای مطرح ساخت این بود که: از اینکه با اقدام خود موجب ناراحتی خانواده دکتر فاطمی شده ام، ناراحت بودم و چندی قبل که همسر وی از امریکا به تهران آمد، به دیدارش رفتم و از اینکه موجب ناراحتی او و فرزندانش شده ام، عذرخواهی کردم و نامبرده هم با گشاده رویی، ادب و احترام از من استقبال کرد.

خود آقای عبدخدایی به من گفت: امروز روحیه ام و پس از ۷۰ سال کار، تلاش و کوشش آمادگی کشتن يك موش را هم ندارد، ولی اگر به همان سن و سال و روحیه سال ۱۳۳۲ برگردم و ظلم و ستمی را که به رهبرم شهید نواب صفوی و دیگر برادران فدائیان اسلام در زندان آقایان ملی گرا روا رفت را شاهد باشم، بی تردید همان کاری را انجام می دهم که قبلاً به آن اقدام کرده بودم!

برای اینکه این مطلب - که جنبه تاریخی دارد - مستندتر باشد، بی مناسبت نیست که خلاصه ای از مصاحبه وی را با روزنامه شرق نقل کنیم: آقای عبدخدایی نخست درباره موضعگیری های دکتر فاطمی اشاراتی دارد و می گوید: «رابط شاه با دکتر مصدق، دکتر فاطمی بود. عکس فاطمی را که شعبان بی مخ محافظ وی است، دارم. دکتر شایگان بعد از انقلاب گفت: مصدق معتقد بود باید با شاه کنار بیاید و ائتلاف کند و به همین دلیل دست ثریا را هم می بوسد. نشان همایونی شاه برای دکتر فاطمی هم موجود است. در مصاحبه آقای شاه حسینی آمده که افراط کاری دکتر فاطمی به علت آن است که فکر می کند دیگر شاه رفته است و علیه شاه تند می شود. البته قبل از آن فاطمی برای خوشایند شاه، در سال ۱۳۳۰ می نویسد: جلسه آینده فدائیان در لندن تشکیل می شود! البته همان فدائیانی که صفیر گلوله آنها اینها را به مجلس برده و نفت را ملی کرده است. دکتر فاطمی ۲۶ مرداد سال ۱۳۳۲ با دکتر فاطمی ۲۰ مرداد سال ۱۳۳۰ دو دکتر فاطمی متفاوت است.»

خبرنگار شرق می پرسد: اگر دوباره با اندیشه و تجربه امروز به آن سال ها باز گردید باز هم دست به اقدام برای کشتن فاطمی می زنید؟ عبدخدایی بلافاصله و قاطعانه می گوید: بله. از اندیشه گذشته خود پشیمان نیستم و صحت هم دارد، اما اصولاً گلوله به دکتر فاطمی نخورد! شما به موزه وزارت خارجه بروید. کیف دکتر فاطمی هست که گلوله به کیف چرمی خورده و از يك طرف رفته و از سوی دیگر بیرون نیامده و خود گلوله هم در قوطی کارت ویزیت گیر کرده و تمیز تمیز است! خبرنگار پرسید اینکه می گویند دکتر فاطمی تا آخر عمر از آن سوء قصد رنج می برده، درست است؟ عبدخدایی پاسخ داد: «الان اسناد و مستندات

تهاجم و توطئه دشمنان یهودی و بعضی از سران قبایل عرب جاهلی قرار گرفته بود، احکامی از طرف پیامبر (ص) صادر و توسط عناصر داوطلب اجرا شده است. بی مناسبت نیست در اینجا توضیح آیت الله خامنه ای را درباره اعدام های انقلابی دوران پیامبر نقل کنیم: «آن روزی که پیامبر (ص) دستور داد آن افراد را ترور کنند در گوش کسی نگفت، علناً گفت: هر کس هند را پیدا کرد او را بکشد. هر کس فلان بن فلان را پیدا کرد او را بکشد. امام» قدس سره گفت: هر کس سلمان رشدی را پیدا کرد بکشد. امروز هم رهبری اگر طبق احکام اسلام يك جا تکلیفش اقتضا کند، علنی خواهد گفت مخفیانه و در گوشی نیست.» (۳)

پس اقدام به این امر هنگام ضرورت و برای دفع شر دشمن و به حکم حاکم شرع، امری کاملاً مشروع و قانونی است.

جناب عالی در سخنرانی خود اشاره کردید زنده یاد نواب صفوی در دوران حکومت آقای دکتر مصدق ۲۰ ماه در زندان به سر برد. دلیل بازداشت و زندانی شدن ایشان چه بود؟

مستولان به اصطلاح قضایی آن دوران، به دستور آقای شمس الدین امیرعلایی وزیر کشور کابینه آقای دکتر مصدق، حکم غیر قابل اجرای دوران قبلی را درباره اتهام «تحریک مردم برای تخریب مشروب فروشی در ساری» اجرایی کرد و ایشان را بازداشت کردند و به زندان بردند. این اقدام ظالمانه و ناجوانمردانه - که بدون تردید با انگیزه سیاسی برای حذف فدائیان اسلام و ایجاد اختلاف بین آنها و آیت الله کاشانی بود- بیش از ۲۰ ماه طول کشید و همین امر باعث رنجش شدید شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام از دولت موقت و آیت الله کاشانی شد، چون ایشان را به تعبیر شهید نواب، گرداننده حکومت فعلی می دانستند. شهید نواب صفوی سابقه این داستان را در بازجویی «طائفی» با پرسر شعبه ۲۷ بیان می کند و با خط خود در بخش ۱۴ پاسخ ها چنین می نویسد: «۱۴ - در حکومت های جابر سابق سفری به ساری کردم، سه شب منبر رفتم؛ مردم را به سوی حق و خدا دعوت کردم، پرونده های غیابا برابم ساختند، حکم غیر قابل اجرا نیست تا وقتی که مراحل بعدی قانونی را طی کند برابم ساختند. آن حکومت های جابر در این باب بسیار نانجیبی کردند و اما حکم را اجرا نکردند و موفق به اجرای آن نشدند و در آن هم قید «قابل اجرا نیست» را گذاشتند، اما این حکومت فعلی که عنوانش از آن جهت نام یافت و مردمی را به دنبال خود انداخت که خود را مبارزه با حکومت های بن سلف معرفی کرده بود، حکم غیر قابل اجرای جابرین سلف را در حق اجرا و تمام سخنان خود را که مبنی بر آزادی خواهی است تکذیب کرد و بعد از سه ماه که در زندان بودم، خواستند همان حکم را به رؤیتم برسانند که امضا نکردم و در آن نوشته بود صریحاً قابل اجرا نیست و تا مراحل بعدی از اجرای آن خودداری شود.

عجبا آقایان متظاهر به جنگ با پیشینیان سلف حکم غیر قابل اجرای آنها را اجرا کردند و حائری شاه باغ، دادستان کل وقت آن سید بزرگواری که زیر بار مظالم دستوری حکومت وقت نرفت و بالصراحه نوشت حکم مذکور نافذ نیست و بازداشت نواب صفوی مجوز قانونی ندارد، با تمام سوابق خدمت قضایی اش به خدمتش خاتمه دادند.»

در مورد اظهار پشیمانی مرحوم نواب صفوی از مخالفت با حکومت آقای دکتر مصدق یا اظهار ندامت آقای محمد مهدی عبدخدایی از اقدام خود، اگر توضیح بیشتری ارائه کنید ممنون خواهیم بود.

چگونگی امر در مورد شهید نواب صفوی را قبلاً توضیح داده ام و خلاصه آن این بود که

رضایت، آرامش و اطمینان باطنی به یقین با جریان یافتن محاسن اخلاق و حاکمیت مکارم اخلاق در ابعاد حیات انسانی حاصل خواهد گشت و رهایی از یاس و پوچی و نیل به سعادت ابدی به وسیله آن یافتنی خواهد بود و این جز در سایه ذکر مداوم حق تعالی عملی نیست.

عروج از سطح محاسن اخلاق به اوج مکارم اخلاق در همه نظام های بشری اعم از آموزشی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر حوزه ها الگوی ابدی برای انسان است که اختصاص به نبی خاتم (ص) دارد. اخلاق الهی معبر سعادت حقیقی انسان و نیل او به مراتب قرب حق تعالی است.

همو که غایت حقیقی و مطلوب ذاتی همه ذرات هستی است. از خداوند منان برای روح ملکوتی علامه طباطبایی (ره) علوم درجات و برای خدمت گذاران، معارف قرآن و اهل بیت (ع) و پاسبنان اندیشه های تابناک علامه طباطبایی توفیق و سعادت روز افزون مسالت می‌کنم.

معاون علمی و فناوری رییس جمهور:

علامه طباطبایی (ره)، کانون علم و فرهنگ ایران و اسلام است

معاون علمی و فناوری رییس جمهور با ارسال پیامی به همایش بزرگداشت مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) گفت: علامه طباطبایی (ره)، کانون علم و ادب و فرهنگ ایران و اسلام است. در پیام دکتر سورنا ستاری، رییس بنیاد ملی نخبگان آمده است: «از جمله وعده‌های خلل ناپذیر الهی، وعده عطا کردن علم نافع به انسان‌های شایسته و برگزیده است تا ایشان چون چراغی تابناک راهنمای مردمان قرار گیرند و به واسطه حضورشان در جامعه، کانون علم و معرفت فرزوان شوند و الحق که علامه دوران و اعجوبه زمان، حضرت آیت‌الله سید محمد حسین طباطبایی (قدس سره الشریف) یکی از این بندگان شایسته و منتخب الهی بود.

مرحوم علامه که رضوان خداوند بر او باد، در فلسفه، علم حدیث، فقه و اصول، عرفان اسلامی و ادبیات عرب، جامع بین علم و عمل بود و نیز در بسیاری از علوم دیگر مانند علوم غریبه، علم اعداد و حساب جمل و جبر و مقاله و هندسه فضایی و مسطح و حساب استدلالی سهمی بسزا داشت. ایشان از علم روز و رسیدگی به نیازهای علمی جوانان نیز غفلت نمی‌ورزید و با تالیف کتاب‌های متعدد سعی بر آشنا کردن جوانان با مباحث فلسفی روز داشت.

مراوده علمی بیش از دو دهه ایشان با دانشمند فرانسوی، پروفیسور هانری کوربن دلیلی دیگر بر این مدعاست. این مراد الهی با تربیت شاگردانی ممتاز همچون علامه شهید استاد مرتضی مطهری دین بزرگی به جامعه ایران دارد.

آری ایشان به حق کانون علم و ادب و فرهنگ ایران و اسلام به شمار می‌آمد و از مصادیق انسان‌هایی بود که مولای متقیان امیر مومنان علی(ع) در توصیف آنها فرمود: «ایشان در روی زمین جانشینان خدا و داعیان بشر به سوی دین خدا هستند، آه آه چقدر اشتیاق زیارت و دیدارشان را دارم».

از این رو شایسته است که عموم مردم ایران به ویژه جامعه علم و فناوری، نخبگان و صاحبان استعدادها برتر با مطالعه آثار سلوک زندگی این اسطوره علم و عمل راه مستقیم سعادت و هدایت را دریابند و در جهت رشد تعالی خود و جامعه اسلامی بیش از پیش کوشا باشند. توفیق همه خدمتگزاران به عرصه علم و فرهنگ ایران اسلامی را از خداوند متعال خواستارم.

پیام حضرت آیت الله سبحانی به همایش ملی «اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای» در مکتب علامه طباطبایی

ادامه از صفحه اول

آرای دین شناختی ایشان ذیل تفسیر آیات الهی در مسائل کلامی مانند نبوت، عصمت و اعجاز از عمقی کم نظیر برخوردار است. ایشان در کلام شیعی نقل را با استخدام عقل به نطق آورده و ارتباط خالق و مخلوق را به شیوه ای بدیع تبیین کرده است.

ارمغان این شیوه اثبات حکمت و حقانیت دعوت نبوی(ص) به توحید است. آرای فلسفی و عرفانی ایشان در آثاری همچون رساله علی(ع) و فلسفه الهی و رساله ولایه نشان از عمق و گستره حیات عقلی و عرفانی ایشان تضرع در حکمت اسلامی است و حاصل آن اثبات استواری هستی بر نظامی معقول و توان خرد در کشف این نظام است.

علامه (ره) اندیشه ورزی فلسفی را با تعهد ایمانی توأم ساخت و راه آزاد اندیشی و نقد منصفانه را به همه گان نمایاند.

انسان شناسی علامه(ره) با تکیه بر معارف وحی و خرد در سه رساله انسان قبل الدنیا، انسان فی الدنیا و انسان بعد دنیا جلوه گر است. این شیوه انسان شناسی به تبیین ارتباط تکوینی انسان و حق تعالی

پیام آیت الله جوادی آملی به همایش بزرگداشت علامه طباطبایی:

اخلاق مهم ترین عامل سعادت یک ملت است

ادامه از صفحه اول

دوم؛ فرهنگ منحت دوزخیان در دنیا و روش ددمنشانه دوزخیان در دنیا، مجموعه این چهار بخش را فن اخلاق به عهده دارد، اخلاق گاهی به صورت جنود عقل و جهل مطرح می‌شود، گاهی به عنوان زاد مسافر مطرح می‌شود، گاهی هم به عناوین دیگر خود را نشان می‌دهد، در قرآن کریم جریان بهشت به عنوان اینکه «لَا تَلْمُزُ فِيهَا وَلَا تَأْتِي» [۱] مطرح شد، همه «نعم» در بهشت هست، لغو و سخن باطل و کار ناصواب در بهشت نیست و هیچ بهشتی نسبت به بهشتی دیگر کینه‌ای ندارد، این مطلب اول.

مطلب دوم فرهنگ و تمدن قوی و قوی مردان بهشتی‌منش است که در دنیا از ذات اقدس الهی چنین می‌طلبند: «لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا»؛ خدایا ما را از گزند و آسیب و بداخلاقی حفظ بکن که بد کسی را نخواهیم! عقب افتادگی کسی را رضایت ندهیم! «لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا» [۲] این زندگی متمنانه بهشت منشانه است.

امر سوم و چهارم این است، در جریان دوزخ فرمود دوزخیان طوری هستند: «كَلِمًا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخَتَهَا» [۳] فرهنگ منحط و بداخلاقی دوزخیان در دنیا هم همین است، به او دیگر دروغ می‌گوید، خیانت می‌کند، اعتماد ندارند و مانند آن. اخلاق این تربیع را از نظر دور نمی‌دارد و عالمانه این اقسام چهارگانه را مشخص می‌کند؛ زیرا زندگی به اخلاق وابسته است و قرآن کریم که وجود مبارک پیغمبر(صلی الله علیه وآله وسلم) خلق او همین قرآن بود، «كَانَ خَلْقَهُ الْقُرْآن» در آغاز نزولش مردم را به اخلاق دعوت کرده است، طبق نقل معروف اولین بخشی از قرآن که نازل شد، همین آغاز سوره مبارکه «علق» است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» [۴] در همین بخش سوره مبارکه «علق» در مراحل پایانی آن فرمود: «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» [۵] انسان را به ادب و حیا و اخلاق دعوت کرده است، قبل از مسئله انزار به دوزخ و قبل از مسئله عذاب، سخن از اخلاق مطرح است، نفرمود اگر بد کردید، جهنم می‌روید، فرمود مگر نمی‌دانید خدا می‌بینید؟! «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»! این فضیلت اخلاقی که در آغاز نزول قرآن کریم مطرح بود، در تمام این آیات و سُور خود را نشان می‌دهد تا در بخش‌های

پرداخته و شکوفایی قوای انسانی را نتیجه هدایت، فطرت با اراده تشریعی الهی می‌دانند.

این نکات اشاره ای بود به وجود تالو اندیشه های آن مرد الهی با جمع کلام و برهان و عرفان در ذیل قرآن برای بشریت به ودیعت نهاده است.

اما با نگاه به اخلاف در نظام اندیشه و عمل علامه طباطبایی (ره) می توان ایشان را احیاگر دین در عصر انحطاط، اخلاق و معنویت خواند.

در روزگاری که ارزش های اولیه انسانی مهپور، ثروت مادی و ابزار های دنیوی گشته و فرزند آدم خویشتن را به فراموشی سپرده، هدف زندگی را گم کرده و به دست خویش اسباب انقراض اخلاق را رقم زده است، گنج بی پایان اخلاق و معنویت دینی، روحی تازه در کالبد افسرده انسان می دمد و افق امید و رضایت و نیل به سعادت ابدی را به او می نمایاند.

اخلاق در حیات بشر بیش از برهان، کارایی عملی داشته و اهتمام ادیان الهی به اخلاق از همین رو بوده است.

اما لطافت و امتیاز اخلاق اسلامی در توحیدی بودن آن است. توحیدی که به تمام معنا عقلانی و

تعلیم را قبل از تزکیه ذکر می‌کند به عنوان اینکه مقدمه تزکیه است، گاهی تزکیه را قبل از تعلیم ذکر می‌کند که مقدم بر تعلیم است و این بدون فن اخلاق نمی‌شود؛ لکن نکته‌ای که در برخی از خطبه‌های نهج البلاغه و همچنین آیات قرآن کریم است این است که یک انسان متخلق می‌کوشد فضایل اخلاقی را شناسایی کند و تحصیل کند؛ اما یک کسی که بالاتر از فن اخلاق می‌اندیشد، سعی می‌کند تمام تلاش و کوشش خود را بکار بگیرد که حقایق موجود آن عالم را ببیند، یک انسان متخلق سعی می‌کند اهل بهشت شود، یک انسان مقدّم و والا و برتر از متخلّق سعی می‌کند که بهشت را ببیند! آن خطبه معروف از حضرت امیر(سلام الله علیه) که فرمود: «فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُتَعَمِّونَ وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ» [۷] این دو قسمت را که بیان می‌کنند این ناظر به مسئله شهود است که فوق مسئله اخلاق است آن هم از منظر قرآن دور نبوده، از منظر پیغمبر و اهل بیت(علیهم السلام) دور نبوده و از منظر شریف استاد علامه طباطبایی هم دور نبوده است؛ منتها آن برای اوحدی از متخلّقانه است که سعی می‌کنند نتیجه اعمال خودشان را هم اکنون در دنیا ببینند.

بنابراین ما اگر خواستیم یک فرهنگ غنی و قوی داشته باشیم، ناچار هستیم وضع بهشت را و بهشتیان را خوب بشناسیم و همان وضع را به عنوان تمدّن اسلامی خوب پیاده کنیم که امیدواریم همه شما بزرگواران به ویژه در جوار مضجع ملکوتی ثامن الحجج علی بن موسی(صلوات الله و سلام الله علیه) قرار دارید همه شما مشمول این بحث‌های قرآنی شده و متخلّق به اخلاق الهی شوید و فرهنگ غنی و قوی تمدّن اسلامی را که بهشتی‌منش بودن است احیا کنید!

«غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»

پاورقی:

[۱]. سوره طور، آیه ۲۳.

[۲]. سوره حشر، آیه ۱۰.

[۳]. سوره اعراف، آیه ۳۸.

[۴]. سوره علق، آیه ۳ و ۴ و ۵.

[۵]. سوره علق، آیه ۱۴.

[۶]. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲.

[۷]. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه ۱۹۳.

متن زیر سخنرانی کنفرانسی در دانشگاه پیزا که در تاریخ ۲۵-۲۷ اکتبر ۲۰۱۶ برگزار شد، تحت عنوان «آیا هنوز هم نظامی بین‌المللی وجود دارد؟» عنوان سخنرانی Iran and its Unstable Region بود که در روز نخست و پس از سخنرانی عمرو موسی وزیر خارجه اسبق مصر و نیز دبیر کل اسبق اتحادیه عرب ایراد گردید.

هم اکنون ناآرامی و بی‌ثباتی منطقه حساس خاورمیانه را فرا گرفته است و علائمی از آینده‌ای باثبات‌تر نیز وجود ندارد.

مهمتر آنکه عوارض ناشی از آن کشورهای فرامنطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و حتی به مضلله‌ای بین‌المللی تبدیل شده است. ادامه این وضعیت می‌تواند به کشمکش‌های وسیع بین قدرت‌های بزرگ موجود تبدیل شود. خصوصاً که به دلایل فراوان شورای امنیت در این مورد نمی‌تواند به تصمیمی قاطع نائل آید.

حال سخن در این است که کم و کیف این بی‌ثباتی چیست و چرا و چگونه گسترش و عمق و ادامه یافته است؟ تا هنگامی که این نکات به خوبی و به دقت روشن نشود نمی‌توان به هیچ راه‌حل قابل قبولی دست یافت. تلاش می‌شود به مهمترین نکات اشارت رود.

قبل از ورود به بحث می‌باید نکته‌ای را یادآور شد و حتی بدان تأکید کرد و آن اینکه تاریخ و خاطرات تاریخی در منفی‌ترین شکل‌اش در این منطقه زنده است. این خاطرات متأسفانه به گونه‌ای با عقائد دینی، فرهنگ عمومی و پشتوانه‌های قومی و طائفی و هویتی پیوند خورده و نوعی بی‌اعتمادی و بلکه خصومت و خشونت پابان‌ناپذیر را موجب شده است. متأسفانه سیر حوادث و سوء استفاده‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این واقعیت‌ها به تشدید این دشمنی‌ها انجامیده است.

در عموم مناطق جهان می‌کوشند خاطرات گذشته را به گونه‌ای تعدیل کنند که در راستای زندگی مسالمت‌آمیز کنونی باشند، و حتی بدان کمک کند. اعم از آنکه به خاطرات متقابل گروه‌های اجتماعی مختلف موجود در یک کشور راجع شود و یا به خاطرات ملت‌ها و قومیت‌های موجود در یک منطقه. اما در اینجا دقیقاً عکس چنین جریانی را شاهد هستیم. نتیجه آن شده که گسل‌های اجتماعی در زمینه مختلف ملی و منطقه‌ای در سطوح افقی و عمودی افزایش و تعمیق یافته است.

۱- به نظر می‌آید مشکل اساسی این منطقه به تجربه او با تاریخ جدید بازمی‌گردد. این تجربه به دلائلی که خواهیم گفت ناموفق و بعضاً بسیار ناموفق بوده است. کیفیت انتقال از دوران سنتی به دوران جدید به کلی متفاوت است با طی این دوره در سایر مناطق جهان سوم. این تفاوت در مدرن شدن ظواهر و نمودهای بیرونی نیست، عمدتاً در مفاهیم، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و ساختارها است. این مجموعه هماهنگ با ویژگی‌های دوران جدید و در انسجام با فرهنگ و واقعیت‌های بومی نیست، خواه در سطح ملی باشد و یا منطقه‌ای. عموم این کشورها نتوانسته‌اند سنتز موفقی از گذشته خود و الزامات دوران معاصر ایجاد کنند و فراموش نشود که گذشته این کشورها خصوصاً بدان علت که با اعتقادات و فرهنگ و هویت دینی و قومی‌شان عمیقاً پیوند خورده، بسیار نیرومند است و نمی‌توان و نباید آن را فراموش کرد و یا کم اهمیت جلوه داد. در این مجموعه هم کشوری چون تونس بن علی وجود دارد که موفقیت‌های مهمی در مدرن کردن جامعه خود به دست آورد اما نسبت به گذشته خویش بی‌تفاوت بود؛ و بعضاً در مقابل آن قرار داشت، و هم کشوری چون یمن که به دلیل

نگاهی به تحولات خاورمیانه

حجت الاسلام والمسلمین محمد مسجدجامعی

دست حاکمان می‌رسید. اعم از آنکه حاصل از فروش نفت باشد و یا توسط حاکمان صاحب نفت بخشیده شود. بخشی که دلائل مختلفی داشت و عمدتاً به دلیل ترس از طرف مقابل بود و برای آرام کردنش و در حقیقت نوعی باج دادن دوستانه و یا خصمانه بود. این ثروت در خدمت طبقه حاکم بود. بخشی از آن به مصرف کامروایی اسراف آمیز و بعضاً جنون آمیز می‌رسید و بخش دیگر در جهت تقویت ارکان قدرت. اما مسئله این بود که این قدرت عموماً واقعیت‌های اجتماعی نشأت نمی‌گرفت و لذا این تقویت بیش از آنکه به قدرت و انسجام درونی و در نتیجه به توسعه واقعی و پایدار کمک کند، به ضد آن کمک می‌کرد و تضادهای اجتماعی و سیاسی را چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای افزایش می‌داد.

در چنین شرائطی برای انحراف افکار عمومی و کاهش تضادها مجبور بودند از دین و فرهنگ و میراث تاریخی بهره برند. احتمالاً به همین علت است که در خاورمیانه شاهد افراطی‌ترین انواع ناسیونالیسم و یا تکفیرهای دینی هستیم. بدون شک اگر پترودلار کلان سعودی نبود ایدئولوژی‌های تکفیری یا متولد نمی‌شد و یا به سامان نمی‌رسید و یا لاقل این چنین گسترش نمی‌یافت.

۴- در این میان تأسیس اسرائیل و کیفیت شکل‌گیری و استقرار آن را، سهم بزرگی است. واقعیت این است که در طول تاریخ و در طی قرن بیستم شاهد جایجایی‌های بزرگ جمعیتی هستیم. اما کم و کیف این جایجایی به کلی متفاوت است با جایجایی‌های دیگر؛ و مهمتر آنکه یهودیان مهاجر درست به عکس یهودیان بومی، در تعارضی کامل با مردمان خاورمیانه قرار داشته و دارند. هم به لحاظ فرهنگی و اخلاقی و هم به لحاظ سیاسی و اقتصادی و علمی و تکنولوژیکی.

از این هم گذشته آنان کلاً رادیکال و تمامیت‌خواه هستند. آنان حتی در برابر متحدان غربی‌شان هم رفتاری مغرورانه و طلبکارانه دارند. بدون شک حضور و سیاست آنان و بی‌خانمانی میلیون‌ها انسانی که در شهر و آبادی خود زندگی می‌کردند و با ترور و اراغ مجبور به ترک آن شده‌اند، عامل بسیار مهمی است در خلق و پیچیده شدن مشکلات خاورمیانه. با قاطعیت می‌توان گفت به همان میزان که پترودلار عربستان در ایجاد گروه‌های تکفیری نقش داشته است، حضور و سیاست اسرائیل هم چنین بوده است.

۴- چنانکه گفتیم ساختار جامعه عموم کشورهای عربی منطقه، قبیله‌ای و عشیره‌ای و به عنوانی طائفه‌ای است. این سخن در مورد افغانستان و تا حدودی پاکستان هم صحیح است. مشکل در آنجا رخ می‌نماید که این کشورها خواستار تحقق ساختارهای نوین اجرایی، تقنینی و قضایی و در رأس آن پارلمانی و سایر نهادهایی هستند که با رأی مردم تشکیل می‌شود و این همه در تعارض است با ساختار یاد شده.

هنگامی که فرد سلول اجتماعی است، انتخابات معنا پیدا می‌کند، اما در آنجا که قبیله سلول اجتماعی باشد، بدان علت که فرد عملاً منحل در واقعیت قبیله خویش است، انتخاب شخص او معنایی نخواهد داشت. این قبیله و عشیره و احیاناً طائفه و یا گرایش‌های «منطقه‌ای» است که واقعیت دارد، تصمیم می‌گیرد و انتخاب می‌کند. لذا نمی‌توان با آن نوع پارلمانی که مرکب از آراء قبائل مختلف است، به مطالبات شخصی پاسخ گفت و اصولاً مطالبات شخصی چندان مفهوم نیست. این سخن به گونه‌هایی دیگر در مورد قوای سه‌گانه هم صدق می‌کند.

احتمالاً به همین علت است که ثبات اجتماعی کشورهایی با ساختار قبیله‌ای که فاقد پارلمان و نظام اجرایی و قانون‌گذاری جدید هستند، بیش از کشورهایی است که در عین داشتن ساختار قبیله‌ای،

ساختارهای نیرومند قبیله‌ای و عشیره‌ای عمدتاً در تاریخ می‌زیست تا در حال حاضر. این بدین معنی است که اینان در مجموع نتوانسته‌اند به مدل قابل قبولی که هم ضامن توسعه کشور باشد و هم در توافق با گذشته، دست یابند.

در این میان عوامل مختلفی وجود دارد که به اهم آنها اشاره می‌شود.

۲- تا آنجا که به خاورمیانه عربی راجع می‌شود، اکثر قریب به اتفاق این کشورها تا قبل از جنگ اول جهانی تحت سلطه عثمانی‌ها بودند. حاکمیتی که بیش از چهار قرن به طول انجامید و بدان علت که حکومت آنان صبغه دینی داشت و خلافت نامیده می‌شد مورد اعتراض و مخالفت قرار نمی‌گرفت. مخالفت‌ها صرفاً از جانب کسانی بود که به دلائل دینی و مذهبی خلافت عثمانی را به رسمیت نمی‌شناختند و این اعتراض‌ها با خشونت فراوان به خون می‌نشست.

حاکمیت عثمانی‌ها دو نتیجه بزرگ داشت. نخست آنکه ساختارهای اجتماعی منجمد شده و بدون تحول باقی ماند. ساختار اجتماعی عموم کشورهای عربی قبیله‌ای و عشیره‌ای است و این ساختار در تعارض با زندگی جدید و ایجاد «دولت - ملت» ای که دوران ما بدان نیاز دارد. مضافاً که عثمانی‌ها و پس از آن قدرت‌های استعماری جانشین آنها، از طریق شیوخ قبائل قلمرو تحت تصرف خویش را اداره می‌کردند و این به استحکام بیشتر این ساختارها کمک می‌کرد.

نتیجه دوم منزوی شدن و به حاشیه رفتن تمامی کسانی بود که مذهب رسمی عثمانی‌ها، یعنی مذهب اهل سنت و بعضاً مذهب حنفی را نداشتند. جهت مشروع و مقبول جلوه دادن این منزوی کردن تحمیلی، مجبور بودند تبلیغ و فرهنگ‌سازی کنند و این زمینه‌ای شد برای ایجاد و بعضاً گسترش اعتقادات و حساسیت‌های زهرآگین علیه این اقلیت‌ها.

طبیعتاً در چنین شرایطی عثمانی‌ها از افراد و شخصیت‌هایی استفاده می‌کردند که هم به لحاظ مذهبی و اعتقادی و هم سیاسی تابع آنان باشند و لذا ساختارهای بومی اداری و انتظامی و امنیتی و بعضاً نظامی این کشورها در خلأ حضور اقلیت‌های یاد شده، شکل گرفت. حال آنکه بعضاً این اقلیت‌ها بزرگ و پرشمار بودند.

فراتر از نکات یاد شده مسئله این بود که پس از سقوط عثمانی‌ها و تسلط قدرت‌های اروپایی، مرزبندی‌هایی تعیین شد که هماهنگ با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی نبود. کشورهایی متولد شدند که تنها مرزبندی یاد شده، پشتوانه آن بود و نه آن سلسله عواملی که یک کشور را قوام و ثبات می‌بخشد. خصوصاً که به دلیل ساختار قبیله‌ای و عدم تجربه مشترک ملی، این مشکلات به مراتب پیچیده‌تر می‌شد. کشورهایی متولد شدند که صرفاً به دلیل پرچم و سرود ملی و عضویت در سازمان ملل به عنوان کشور به رسمیت شناخته شدند.

۳- در اوائل قرن بیستم نفت در خاورمیانه کشف شد. اما عملاً از جنگ دوم جهانی به بعد است که استخراج و فروش نفت وارد صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و حتی فرهنگی و دینی می‌شود. اگر چه بسیاری از کشورهای خاورمیانه فاقد نفت هستند، اما عموم آنان به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آن متأثر بوده و هستند.

احتمالاً نخستین پی‌آمد کشف نفت ورود قدرت‌های بزرگ به منطقه بود که بعضاً به رقابت‌های خصومت‌آمیزی منجر می‌شد که بهایش را مردم منطقه می‌پرداختند. این جریان به گونه‌ای مستقیم و موثر، مانع از شکل‌گیری تحولات اجتماعی و سیاسی‌ای بود که کشورهای منطقه بدان نیاز داشتند.

گذشته از آن ثروت فراوان باد آورده شده عملاً به

خواهان داشتن نظام سیاسی مدرن می‌باشند.

۵- حال مسئله این است که ایران چگونه است و چه سیاستی را در قبال مسائل منطقه‌ای دنبال می‌کند. ایران بیش از آنکه یک واقعیت سیاسی باشد، یک واقعیت تاریخی و تمدنی است. از این دیدگاه «فارس» و کلمات مشابه آن بیشتر تداعی کننده کلیت آن است تا ایران.

به هر حال این مجموع تاریخ و فرهنگ و تمدن این کشور باستانی است که به خلق این کشور انجامیده و احتمالاً یکی از نخستین کشورهایی است که «دولت - ملت» آن شکل و قوام گرفته است. تأکید بر این نکته از آن رواست که در طی سال‌های پس از بهار عربی عموم کشورهای منطقه بر اساس گسل‌های تاریخی و فرهنگی خود دچار ناآرامی شدند. اما این گسل‌ها به علت قدمت تاریخی و تجربه مشترک فرهنگی و تمدنی در این کشور، در مقایسه با دیگران به مراتب کمتر و کم‌اهمیت‌تر بوده است.

جهت جلوگیری از تطویل، از موضوع تجربه ایران با تاریخ جدید که تفاوت‌های فراوانی با سایر کشورهای منطقه داشته است، درمی‌گذریم. تجربه‌ای که نقاط مثبت و منفی فراوانی دارد، اما مهم این است که این کشور حتی در دوران انحطاط قدرتش در قرن نوزدهم، پیوسته مستقل ماند و تحت استعمار هیچ کشوری قرار نگرفت. اگر چه در طول این قرن به دلیل ضعف حکومت مرکزی و دست‌اندازی بیگانگان، قلمروهای وسیعی را از دست داد که مهمترینش در منطقه قفقاز، شمال شرقی و شرق ایران قرار داشت.

۶- مدتی پس از ناآرامی‌های بهار عربی، منطقه قطبی شد. اگر چه زمینه این قطبی شدن از قبل وجود داشت، اما عملاً کشورهایی که احساس خطر می‌کردند به این آتش دمیدند و مطالبات مردمی و جنبش عدالت‌خواهانه و ضد فساد و دیکتاتوری آن ایام را در چارچوب رقابت‌های مذهبی و طائفی و بعضاً قومی و مناطقی درآوردند.

نتیجه مجموع کنش‌ها و واکنش‌ها، تشکیل دو قطب بود. یک قطب کل اهل سنت و یک قطب تمامی کسانی که چنین نبودند. اعم از شیعیان اثنی عشری و زیدی و اسماعیلی و یا مسیحیان با طوائف مختلف‌شان، ایزدی‌ها، صابئین، علوی‌ها و دروزی‌ها. در رأس گروه اول عمدتاً عربستان و تا حدودی ترکیه و مصر بود و در رأس گروه دوم ایران. واقعیت این است که در مورد اخیر و به دلائل پیچیده عملاً ایران در چنین موقعیتی قرار گرفت. برخی از گروه‌های یاد شده خواهان چنین جایگاهی بودند و گروه‌های بیشتری موقعیت و بعضاً موجودیت آینده خود را در گرو قدرت و نفوذ ایران می‌دیدند، بدون آنکه تمایل قلبی خاصی نسبت به او داشته باشند. این جریان پس از پیشروی سریع داعش در عراق در ۲۰۱۴ اتفاق افتاد. در آن ایام بغداد و اربیل در آستانه سقوط قرار گرفت و این حمایت‌های چند جانبه و بی‌قید و شرط و سریع ایران بود که این دو را نجات بخشید و این نکته مورد اعتراف همگان قرار گرفت.

به دلائل مختلف اعتقادی و سیاسی ایران از ابتدا در برابر جنبش‌های تکفیری قرار داشت و با آنان به عناوین مختلف مبارزه می‌کرد. از طالبان اواسط دهه نود قرن گذشته گرفته تا القاعده و داعش و سایر گروه‌های تکفیری موجود. صرف نظر از این نکته و برای حل و یا لاقل تخفیف مشکلات منطقه‌ای پیوسته به گفتگوهای درون کشوری همه ممالکی که دچار انقلاب و ناآرامی هستند، تأکید می‌کند و اینکه این مذاکرات باید بدون پیش شرط و به دور از نفوذ گروه‌های تروریستی شناخته شده باشد و مهمتر اینکه هیچ گونه راه‌حل نظامی‌ای برای این درگیری‌ها متصور نیست و اصرار بر آن صرفاً به پیچیده‌تر شدن مشکلات کمک می‌کند.

فرمانده سپاه کردستان:

یکدلی شیعه و سنی در اربعین
حسینی قطعاً پیام وحدت دارد

فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان گفت: وقتی کسی برای خاندان اهل بیت عزادار است هیچ فرقی نمی‌کند که اهل سنت باشد یا اهل تشیع چون هردو با هم عزادار هستند.

سردار محمدحسین رجبی در گفت‌وگو با تسنیم اظهار داشت: امسال ما توفیق نداشتیم که در سفر اربعین به کربلا برویم اما خداوند متعال این توفیق را داد که در عزاداری امام حسین(ع) در شهر سنندج و در هیئت عاشقان ثارالله شرکت کنیم.

وی گفت: خیلی متأسفیم از اینکه قول استکبار رسانه‌ای جهانی اخبار ۲۰ میلیون نفری زائرین امام حسین(ع) را انعکاس نمی‌دهند. حقیقت هیچ‌موقع زیر ابر نمی‌ماند و حتماً گویا و برملا می‌شود چون امام حسین(ع) چیزی جز حقیقت و اصلاح جامعه بشری عنوان نمی‌کرد و این حقیقت و واقعیت جهان را فرا می‌گیرد.

فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان گفت: امروز دیدیم ضمن اینکه هیئت‌ها، عزاداران سینه‌زان به عزاداری پرداختند مردم متدین استان کردستان هم به استقبال هیئت‌ها آمدند و سینه‌زنی و گریه می‌کردند. امیدواریم در تعالی اسلام و تحت لوای تعلیم انسان ساز و نجات بخش اسلام همه بشریت، به ویژه مسلمین ان شاء الله به فلاح و رستگاری برسند.

وی با اشاره به اینکه یکدلی مسلمانان شیعه و سنی در اربعین حسینی قطعاً پیام وحدت دارد اظهار کرد: وقتی کسی برای خاندان اهل بیت عزادار است هیچ فرقی نمی‌کند که اهل سنت باشد یا اهل تشیع چون هردو با هم عزادار هستند.

فرمانده‌سپاهبیت‌المقدس کردستان گفت: مسلمانان شیعه و سنی در کنار یکدیگر رسول خدا(ص)، امام حسین(ع)، زینب کبری(س) و خاندان پیامبر گرامی اسلام را به یک اندازه دوست دارند و در این دنیایی که همه دشمنان، اسلام را نشانه رفتند تا حقیقت اسلام در دنیا آشکار نشود یک پیام وحدت است.

وی با اشاره به اینکه اربعین حسینی یک پیام بسیار روشنی برای دنیا دارد گفت: ان شاء الله با کنارهم قرار گرفتن حقیقت‌ها، مسلمانان یک وحدت جدی و سد آهنین در مقابل دشمنان ایجاد کنند که خدایا و شکر چنین هم بوده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مبلغی تشریح کرد: حوزه داندشی برای تعامل علمی شیعه و سنی

که به صورت تخصصی و علمی از سوی دانشمندان اسلامی و با ادبیات ویژه مطرح در اخلاقیات شغلی و حرفه‌ای این بحث مطرح نشده است. باید بدانیم که جامعه امروزی بدون طرح اخلاقیات مربوط به حوزه‌های مختلف نظم و سامان درستی پیدا نمی‌کند.

وی تأکید کرد: شیعه و سنی باید با طرح اخلاقیات ناظر به حوزه زندگی و شغل‌ها و مناسبات اجتماعی اولاً روابط بین خود را از مدار خشونت و تعصب و ناروایی بیرون آورند و ثانیاً بهترین نظم اجتماعی را بنیان‌گذارند و ثالثاً در جهان امروز درخشش بسیار مهم از حیث علمی و اجتماعی پیدا کنند.

حجت‌الاسلام مبلغی بیان داشت: شیعه و سنی باید با مشارکت یکدیگر اصول تعایش اسلامی را با نگاه به اقتضائات زندگی اجتماعی پیچیده کنونی تدوین کنند که اگر چنین فعالیتی صورت گیرد به یقین امت اسلامی می‌تواند بهترین همزیستی و مثال زدن‌ترین آن را بنیان‌گذار.

سفر علمای چین می تواند منشأ تقویت روابط اسلامی میان دو کشور باشد

اسلامی ایجاد شده است و این مؤسسات تلاش می‌کنند تا اختلافات بین مسلمین را کاهش دهد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب با اشاره به فعالیت‌های مجمع تقریب در عرصه چاپ و نشر، اظهار داشت: اخیراً از موسوعه «السنه النبویه فی مصادر المذاهب الاسلامیه» رونمایی شده است که این موسوعه توسط پژوهشگاه مطالعات تقریبی تهیه شده است که شامل احادیث مشترک است.

آیت‌الله اراکی در پایان ابراز امیدواری کرد: این سفر می‌تواند آغازی برای همکاری گسترده‌ای در زمینه تقریب بین مذاهب و مسائل مهم جهان اسلام باشد.

«موجی شی» رئیس شورای اقلیت‌های دینی استان گوانگ دو چین نیز در این نشست با بیان اینکه ما احساس می‌کنیم که به خانه خودمان آمده ایم، اظهار داشت: ارتباط خوبی همواره میان مردم ایران و چین از گذشته وجود داشته و ما از حضور در ایران بسیار خوشحال هستیم.

وی با اشاره به اینکه ایران همواره در زمینه فرهنگی الگوی ما بوده، اظهار داشت: هدف از این سفر بیشتر مسائل فرهنگی و نزدیک کردن فرهنگ دو کشور است.

در حمایت از مسجد الاقصی از خود فلسطینی ها هم محکم تر هستیم

که ما باید هوشیار باشیم و نگذاریم دشمنان به هدف خود برسند.

وی در ادامه گفت: ما در مجمع تقریب مذاهب، به دنبال تشکیل اتحادیه‌ای به نام «اتحادیه بین المللی منادیان تقریب» هستیم و برنامه ما این است که در هر منطقه‌ای که مسلمانان وجود دارند؛ یک نفر به عنوان سفیر تقریب انتخاب شود و شرطش این است که فرد منتخب از وجهه اجتماعی و مذهبی قابل قبولی در منطقه خود برخوردار باشد؛ به فرهنگ تقریب اعتقاد داشته و از نظر بیان، توانایی تبیین مبانی تقریب و اتحاد را داشته باشد.

حجت‌الاسلام حسینی تأکید کرد: ما به وحدت به عنوان یک وظیفه اسلامی نگاه می‌کنیم؛ اگر این اتحادیه در سراسر جهان فعال شود، امیدواریم که روزی تفرقه از بین برود و شاهد وحدت همگانی باشیم؛ اگر اسرائیل موجودیت خود را ادامه می‌دهد؛ فقط به خاطر تفرقه و اختلاف میان ماست و تا جهان اسلام متحد نشود، این جنایتها در سوریه و یمن و عراق و ... از بین نخواهد رفت؛ به گفته امام خمینی(ره) اگر هر مسلمانی یک سطل آب به طرف اسرائیل پرتاب کند؛ اسرائیل را آب خواهد برد.

عراق شاهد جنگ هستیم، در بحرین مشکلات زیادی بین مسلمین این کشور وجود دارد و در افغانستان و پاکستان هم شاهد مشکلاتی هستیم.

وی افزود: ما امروز خوف داریم که برای جامعه مسلمین در اروپا و آمریکا نیز مشکلاتی به وجود بیاید سخنانی که هم اکنون از رئیس جمهور منتخب آمریکا درباره مسلمانان به گوش می‌رسد بسیار نگران کننده است. در جنوب آسیا بویژه در میانمار شاهد مشکلاتی برای مسلمین هستیم که امیدواریم با همکاری و مساعدت علمای چین و سایر شخصیت‌های جهان اسلام بتوانیم از مشکلات جامعه اسلامی بکاهیم.

آیت‌الله اراکی در ادامه به بیان اینکه مجمع جهانی تقریب فعالیت‌های زیادی در راستای تقریب و تقویت وحدت اسلامی انجام داده است به شرح بسیاری از فعالیت‌ها و اقدامات مجمع جهانی تقریب پرداخت و گفت: مؤسسات زیادی نظیر اتحادیه بانوان، اتحادیه علمای مقاومت و کمیته مساعی حمیده از سوی مجمع جهانی تقریب در سطح جهان



به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب، آیت‌الله محسن اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب در دیدار با جمعی از علما و فرهیختگان چین، با بیان اینکه جامعه مسلمان چین جامعه‌ای مهم و اثرگذار است، ابراز امیدواری کرد: سفر هیئت علمای چین به جمهوری اسلامی ایران می‌تواند منشأ تقویت روابط اسلامی میان دو کشور باشد.

وی با بیان اینکه مجمع جهانی تقریب وظیفه دعوت به نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر را بر عهده دارد، اظهار داشت: دین اسلام ما را مکلف کرده است که با یکدیگر همکاری کنیم و در حل مشکلات همدیگر را یاری رسانیم.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی شاهد مشکلات و درگیری‌هایی هستیم که می‌توانیم با همکاری یکدیگر تا حدودی از این مشکلات بکاهیم.

آیت‌الله اراکی افزود: امروز ما شاهد جنگ در یمن هستیم که هر روز تعداد زیادی از مردم بی‌گناه در آنجا کشته می‌شوند، در سوریه و

هیأتی از علما و فرهیختگان چینی با حجت‌الاسلام «سید عبدالله حسینی» مشاور دبیر کل مجمع تقریب در امور ساماندهی منادیان تقریب، دیدار و گفتگو کردند.

حجت‌الاسلام حسینی در این دیدار، ضمن خیر مقدم به هیأت چینی اظهار داشت: ایران یک کشور اسلامی است و هر کس که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» باشد، ساکن این وطن محسوب می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به اینکه خداوند در قرآن کریم همه بندگان را به اتحاد فرا می‌خواند، گفت: خداوند در قرآن کریم خیلی آگاهانه در آیه مربوط به وحدت، به جای استفاده از زنجیر از کلمه حبل، استفاده کرده است؛ یکی از مشکلات اصلی بزرگ جهان عدم وحدت است؛ اگر یکی از رشته‌های یک زنجیر پاره شود، این زنجیر به دو قسمت تقسیم می‌شود، اما در مورد حبل و طناب اگر یکی از رشته‌ها پاره شود با ۹۹ رشته دیگر، اتصال همچنان برقرار است و این روزها یکی از مشکلات جهان اسلام این است که ما به این ریسمان محکم الهی چنگ نمی‌زنیم.

حسینی افزود: با همین اتحاد مختصری هم که داریم امروز توانسته‌ایم؛ اتفاقات مهمی را در جهان

اسلام رقم بزنیم؛ همانگونه که می‌دانید جمهوری اسلامی ایران یک کشور شیعی است و ما در طول ۳۷ سال گذشته بعد از انقلاب، به دلیل حمایت از اهل سنت مورد تهاجم کشورهای غربی بوده ایم؛ ما از فلسطین حمایت کردیم در حالی که در این کشور شیعه وجود ندارد؛ ما بعد از حمله شوروی به افغانستان، از افغانستان حمایت کردیم در حالی که اکثر مسلمانان این کشور از اهل سنت هستند. وی ادامه داد: شیعیان سوریه فقط ۵ درصد هستند و ما به خاطر حمایت از اهل سنت در این کشور حضور داریم؛ حماس و ساکنان فلسطین اهل سنت هستند؛ اما مسأله فلسطین از مسائل اصلی سیاست جمهوری اسلامی ایران است و ما در حمایت از مسجد الاقصی از خود فلسطینی‌ها هم محکم‌تر هستیم؛ امام خمینی(ره) قبل از مبارزه با شاه مبارزه با اسرائیل را آغاز کرد و علت اصلی مخالفتش هم حمایت شاه از اسرائیل بود که بعد از انقلاب سفارت اسرائیل تخلیه و در اختیار فلسطین قرار گرفت و خیابانی هم به نام فلسطین نامگذاری شد.

حسینی خاطر نشان کرد: امروز دشمنان ما اهمیت وحدت را فهمیده‌اند و در همه کشورهای اسلامی سعی می‌کنند؛ این اتحاد را از بین ببرند؛

حوزه عنوان کرد و افزود: امروز جهان دارای چند نظام حقوقی است. کامن لاء، فرانسه و... هنوز نظام حقوقی اسلام از سوی شیعه و سنی ارائه نشده است به رغم آن، این نظام بسیار نیرومند و برخوردار از منطق قوی جهت قانون‌گذاری است.

عضو مجلس خبرگان رهبری، گفت: مقصود از نظام حقوقی، ارائه فقه نیست تا گفته شود هر مذهبی فقه خود را به صورت مستقل ارائه کند، بلکه مقصود آن منطق نهفته در وراء فقه اسلامی یا درون قواعد کلی و اساسی آن است که اگر بخواهند قانون‌گذاری مبتنی بر فقه را به انجام برسانند باید به آن منطق مراجعه کنند.

دکتر مبلغی بیان داشت: بنابراین نظام حقوقی اسلام باید براساس معیارها و ویژگی‌هایی شکل بگیرد که نظام‌های حقوقی دیگر شکل گرفته است. وی با بیان این که نظریه‌های حقوقی دومین حوزه دانشی برای تبادل نظر میان شیعه و سنی است، تصریح کرد: فقه ما دارای احکام فقهی

به گزارش روابط عمومی دانشگاه مذاهب اسلامی، دینا المولی رئیس دانشگاه اسلامی لبنان در سفر به ایران با حجت‌الاسلام احمد مبلغی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و عضو مجلس خبرگان رهبری دیدار و گفت‌وگو کرد.

دکتر احمد مبلغی در این دیدار ضمن معرفی اهداف دانشگاه مذاهب اسلامی در ایران، چهار حوزه دانشی که شیعه و سنی در این چهار حوزه می‌توانند به تبادل نظر و تعامل علمی با یکدیگر بپردازند، را مورد توجه قرار داد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: تعامل و تبادل میان شیعه و سنی در این چهار حوزه اولاً به نوعی به همگرایی علمی میان آنها می‌انجامد و از سوی دیگر می‌توانند یک حرکت اساسی علمی بنیادین را در جهت نظم بخشی به مناسبات خود بر آن اساس پی‌ریزی کنند.

وی با اشاره به این چهار حوزه دانشی موجود میان شیعه و سنی، نظام حقوقی اسلام را اولین

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۲۳۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir
در دسترس می‌باشد

نماینده ولی‌فقیه در گیلان:

کتاب عامل فکر دهنده و تحرک در جامعه است

آیت‌الله زین‌العابدین قربانی در دیدار کتابداران و مدیرکل کتابخانه‌های عمومی گیلان با وی، اظهار کرد: پیامبر(ص) فرمودند در میان شما دو چیز گرانبها به امانت می‌گذارم که یکی از آنها قرآن و دیگری اهل بیت(ع) است.

وی با بیان اینکه برخی‌ها حرمت قرآن و حرمت اهل بیت(ع) را نگه نداشتند، افزود: وجود داعش و گروه‌های تکفیری یکی از همین حرمت‌شکنی‌هاست که به نام اسلام شکم زن باردار را پاره می‌کنند و فرزند او را سر می‌برند. امام جمعه رشت ادامه داد: رفتارهای مذکور موجب شده تا افکار جهان به این مباحث معطوف شود و صهیونیست و دشمنان الهی راحت به برنامه‌های خود بپردازند و خدا را شاکریم که جمهوری اسلامی را به ما بخشید که پیاده‌کننده اهداف رسول خدا(ص) است.

وی برقراری عزای دو ماهه در محرم و صفر و حضور چند میلیون‌ی زائران ایرانی در اربعین را نشان‌دهنده مباحث و از افتخارات ایران اسلامی دانست و تصریح کرد: کتاب‌ها بوستان‌های معطر عالمان هستند که فکرشان را از آنجا می‌گیرند و مردم نمی‌دانند که کتاب‌ها چقدر با ارزش هستند. قربانی ادامه داد: طبق گفته شهید مطهری، جامعه‌ای که رشد ندارد برای آن است که کتاب را برای روشن کردن آتش یا پیچاندن چیزی در آن مناسب می‌داند و کسانی که اهل کتاب نیستند از اثرات آن اطلاعاتی ندارند.

وی با اشاره به اینکه شیعیان آثار گرانبغری تألیف کرده‌اند و علما در این راه زحمات زیادی متحمل شدند، افزود: برخی از کتاب‌ها ویتامین لازم برای افکار را ندارند و وقت انسان را تلف می‌کنند. نماینده ولی‌فقیه در گیلان با تصریح بر اینکه کتاب‌های زیادی نوشته می‌شود اما تأثیرات چندانی ندارند، گفت: کتاب‌هایی نظیر میزان کمتر نوشته می‌شود و نوشتن چنین کتاب ارزشمندی نیازمند گوشه‌نشینی و بی‌خوابی‌هاست.

وی به نگارش ۶۷ جلد کتاب خود اشاره کرد و یادآور شد: به خاطر وفات علامه طباطبایی که عمر پربرکتش را صرف نوشتن کتاب کرد این هفته به نام هفته کتاب نامگذاری شده و کتاب‌هایی مانند میزان بسیار ارزشمند است.

قربانی نوشتن کتاب را به معنای غذای فرهنگی دانست و یادآور شد: کسانی که پول دارند در راه نشر و چاپ کتاب‌های خوب هزینه کنند و کسانی که به کتابخانه‌ها برای امانت گرفتن کتاب مراجعه می‌کنند با آنها خوش‌رفتاری و مساعدت و شور مطالعه داده شود.

اربعین، یادآور مظلومیت رهپویان حسین

غار حرا پایین آمده بود و زمانه خویش را به مکارم اخلاق آزادگی و عبودیت حق تعالی فراخوانده بود؛ اکنون در صدای نوح رسول دوباره همان صدا اوج می‌گرفت و آفاق را درمی‌نوردید؛ دشمن بشریت و خاندان پیامبر پیروزی را در کام خویش شریک می‌یافت.



با هر صدایی ستونی از کاخ برافراشته بنی‌امیه فرو می‌ریخت؛ خون حسین

(ع) چون سیلابی عرصه وحشت سرای بنی‌امیه را درمی‌نوردید و کلام زینب کبری (س) جهش خون اباعبدالله‌الحسین (ع) بود؛ فواره رگان بازوان برومند عباس در کنار نهر آب. در اربعین اول مضجع نورانی اباعبدالله چند زایر بیشتر نداشت، اما اربعین ها گذشت و می‌گذرد، اکنون پس از چهارده قرن، به یادبود مظلومیت سیدالشهدا، فرزندان و یارانش، میلیون‌ها زایر، پای پیاده خود را به کربلا می‌رسانند تا مظلومیت حسین و حقانیت پیام جاودانه پیروزی حق بر باطل را فریاد کنند. حضور قریب دو میلیون زایر عاشق حسین فقط از کشورمان و برخی کشورهای پیرامون که راه کربلا را در گذار از مرزهای کشورمان برگزیده‌اند، گویی فریادگر ندای حق طلب حسین(ع) هستند تا روزی که انتقام خون به ناحق ریخته شده حسین گرفته شود، در رهپویی راه فیروزمندی که قافله‌سالار آن، آخرین ذخیره دودمان امامت حضرت صاحب(عج) باشد. مگر نه این است، که ما یکی از برنامه‌های امام زمان‌مان را انتقام خون به ناحق ریخته شده حسین(ع) می‌دانیم و باور داریم که او خواهد آمد و انتقام خون شهیدان تاریخ و به ویژه سید و سالار شهیدان را خواهد گرفت؟ این الطالبُ بدم المقتول بکربلا، با آرزوی تعجیل در ظهور حضرت حجت(ع) شادابی حیات انسانیت و شکوفایی انسان‌ها را با خود به ارمغان خواهد آورد.

است؛ تکمیل نهضت عاشورا است. دشمن، سرمست از پیروزی بر معلم کرامت و آزادگی بر منبر رسول مکرم اسلام تکیه زده بود، گویی آب از آب تکان نخورده است؛ نه حسینی بوده و نه عاشورایی و نه سبعت و درنده خویی؛ «دارها برچیده، خونها شسته» خلیفه به صورت سلطان درآمده بود. سلطانی که صورت نمادین همه پلشتی‌ها و پلیدی‌های روزگار خود محسوب می‌شد. خاطره امیرالمومنین (ع) و زهرای مرضیه(س) از ذهن‌ها سترده می‌شد؛ خاطره اصحاب و مجاهدانی که در سایه مجاهدت و پاکبازی خویش الگوی متعالی جهاد و عقیده را به نمایش گذاشته بودند، فراموش می‌شد و به جای آن سرمستی غرور و تعصب و تنگ‌چشمی و ریا می‌نشست.

بزرگ‌ترین کسی که این بهشت تن‌آسایی و لذت را در چشم زمامداران وقت تیره می‌کرد آموزگار بزرگ جهاد و شهادت امام حسین(ع) بود و با شهادت حضرتش بنی‌امیه می‌پنداشت که حکومت را برای همیشه در خاندان خویش حفظ کرده است. با از میان برداشتن حسین(ع) دستگاه بنی‌امیه به واقع صورت نمادین رسول مکرم اسلام را با پیام آسمانی و روشنگر از میان برداشته بود و انتقام کینه تاریخی خویش را از خاندان رسول کشیده بود.

آنان را به رسم اسارت بر دروازه‌های شام گذر داده بود و اکنون به خیال خویش به آسایش موعود دست یافته بود. اما صدای زینب کبری سلام‌الله‌علیها در دروازه دمشق هیمنه چکاچک شمشیر دلاورانی را داشت که در مکه و مدینه و کوفه و کربلا و شام با پلیدی‌ها و ناراستی‌ها جنگیده بودند. صدای او طنین خوش‌آوای مردی بود که به امر حق تعالی برای درهم ریختن بنیادهای فکری نظام جاهلی عرب از

معاون امور فرهنگی وزارت ارشاد:

کتابفروشی‌ها نقطه اتصال بین اصحاب فرهنگ محسوب می‌شوند

اسلامی برای توجه به کتابفروشی‌ها گفت: اجرای طرح کتابفروشی به وسعت ایران، عیدانه، تابستانه و پاییزه کتاب دیگر برنامه‌هایی هستند که در یک سال اخیر دنبال شده و در حال حاضر چهارمین دوره آن انجام می‌شود. در این طرح بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تخفیف به مصرف کنندگان از سوی کتابفروشی‌ها ارایه می‌شود و با استقبال خوبی مواجه شده است.

وی ادامه داد: سومین اقدام این بود که امسال مقرر شد بن‌های کتابی که در نمایشگاه‌های استانی عرضه می‌شوند، صرفاً به بازه زمانی نمایشگاه محدود نباشند و به مدت یک ماه پس از برگزاری نمایشگاه در کتابفروشی‌های استان قابل استفاده باشند. همچنین کتابفروشی‌های استان نیز می‌توانند نمایندگی ناشران را داشته باشند و از این طریق در نمایشگاه‌های استانی حضور داشته باشند تا از این طریق در ایام نمایشگاه منتفع شوند.

وی در پایان تأکید کرد: طرح کتابگردی یک طرح نمادین نیست بلکه حرکتی است تا به کتابفروشی‌ها توجه کنیم تا برخی از مشکلات حلقه وصل پدیدآورندگان و مصرف کنندگان کاهش یابد. با اجرای سه طرح عیدانه و تابستانه کتاب و طرح کتابفروشی به وسعت ایران کتابفروشی‌ها نزدیک به ۱۵ میلیارد تومان فروش داشته‌اند که ۲۰ درصد آن یارانه پرداختی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

صالحی ادامه داد: صنعت نشر ما به مانند دیگر صنعت‌ها نیازمند شناسایی نیازهای خود است تا از این طریق بتواند همسو با خواسته مصرف کنندگان به تولید آثار بپردازد. درطول چند بار اجرای این طرح همواره کتاب‌های ادبیات مورد استقبال مصرف کنندگان بوده است و این نشان از ذائقه فرهنگی مردم دارد.

کتابفروشی‌ها تبادل نظر کرد.

بر اساس این گزارش، صالحی در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره هدف از انجام طرح کتابگردی گفت: برای سومین سال متوالی است که طرح کتابگردی در هفته کتاب انجام می‌شود. این طرح با این نگاه پیشنهاد و اجرا شد که کتابفروشی‌ها به عنوان حلقه ارتباط میان پدیدآورندگان و مصرف کنندگان مورد توجه قرار گیرند.

وی با اشاره به جایگاه کتابفروشی‌ها و نقش آن‌ها در فرهنگ کشور گفت: کتابفروشی‌ها در طول فضای فرهنگ مکتوب یک نقطه اتصال بین اصحاب فرهنگ محسوب می‌شوند و در دو دهه اخیر به دلایل مختلف توجه به کتابفروشی‌ها کاهش پیدا کرده بود. این حرکت قصد دارد تا بار دیگر کتابفروشی‌ها را در مرکز عطف قرار دهد.

صالحی افزود: در طول این سه سال برنامه‌هایی به منظور توجه به کتابفروشی‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شده است و یکی از آن‌ها موضوع معافیت مالیاتی کتابفروشان بود.

معاون امور فرهنگی با اشاره به مذاکرات انجام شده با سازمان مالیاتی به منظور اجرای معافیت مالیاتی برای کتابفروشان گفت: بر اساس قانون معافیت مالیاتی کتابفروشی‌هایی که دارای مجوز فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، از پرداخت مالیات معاف هستند. اما این قانون در برخی از کتابفروش‌ها اجرا نمی‌شد و از این رو با مذاکرات انجام شده در حال حاضر این قانون در کلیه استان‌ها اجرایی شده است و صرفاً مواردی وجود دارند که در حال بررسی مشکل آن‌ها هستیم.

صالحی درباره دومین اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد



به گزارش روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پنج‌شنبه (۲۷ آبان ماه) همزمان با چهارمین روز هفته کتاب از کتابفروشی‌های شهر قم بازدید کرد.

در این بازدید سید محمود حسینی، مدیرعامل مجتمع ناشران قم، یدالله سعدی، مدیر انتشارات دلیل ما و جمعی از ناشران و کتابفروشان استان حضور داشتند.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این کتابگردی ابتدا از کتابفروشی‌های آیت‌الله مرعشی بازدید کرد. در ادامه نیز از انتشارات قائم آل علی (ناشر کتاب‌های آیت‌الله حسن‌زاده آملی)، کتابفروشی رضوی، قائم آل علی، نشر اخلاق، انتشارات روحانی، کتابفروشی خانه کتاب، انتشارات توحید (ناشر کتاب‌های آیت‌الله سبحانی)، کلیه شروق، کتابفروشی انصاریان، کتابفروشی امام علی ابن ابیطالب (ناشر کتاب‌های آیت‌الله مکارم شیرازی)، بوستان کتاب و انتشارات دارالحدیث بازدید کرد.

صالحی در این بازدیدها درباره میزان فروش، استقبال از طرح پاییزه کتاب، مشکلات ناشران و ... به گفتگو با مسئولان کتابفروشی‌ها پرداخت.

در ادامه این کتابگردی، صالحی به مجتمع ناشران قم رفت و از کتابفروشی‌های دلیل ما، انتشارات حقایق اسلامی، انتشارات شفق، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ارمغان طوبی، مطبوعات دینی، کومه، انتشارات سرور، بیدار، دارالکتاب اسلامی، کتاب آوا، نشره‌هاجر و فانوس اندیشه بازدید کرد و با مسئولان این